

## کارنامه سیاه نظام مافیائی آخوندها

تاراج و غارت ثروت ملی ایرانیان جنایت، فقر، رانت خواری، خودکشی، اعتیاد، گسترش فساد، فاصله عظیم طبقاتی و اجتماعی در ایران، حراج ذخایر نفتی و گازی، افزایش حجم نقدینگی در اقتصاد بیمار کشور، گرانی قیمت ها، واردات کالاهای بنجل و مصرفی و وضعیت بازار مسکن در ایران .....

- ۰۷/۰۳/۱۳۷۸

## وای بر ما

جمیله کدیور

مکتوب: این روزها گاهی خبری را می خوانی و یا می شنوی که تا عمق جان می لرزی و تو که می بینی و می شنوی هیچ کاری از دستت بر نمی آید و آنها که کاری از دست شان برمی آید، یا نمی بینند یا نمی شنوند یا...  
فقر چه ها که نمی کند این روزها. از خودکشی دسته جمعی اعضای یک خانواده، از قتل سایر اعضای خانواده، از خودفروشی تا فروش سایر اعضای خانواده تحت هر عنوان، از فروش کلیه یا سایر اعضای قابل فروش، از...  
خبری دیدم به نقل از یک کارمند سازمان ملل در مشهد در تشریح حال دختری ۱۹ ساله با ۷ شوهر. دختری که توسط پدر معتادش به یک مرد افغانی به ۷۰۰۰۰۰ تومان فروخته شده و مرد افغان که خود قادر به تامین همه یول نبوده، با ۶ نفر دیگر در تامین هزینه، شریک شده است و این دختر بخت برگشته هر شب قسمت یک همسر است.  
نمی دانم در یک مملکت اسلامی که برای همه دنیا نسخه صادر می کند و از رسیدگی به وضعیت شهروندان خود ناتوان است، در این یک نمونه کوچک چه فرد یا نهاد و ارگانی مسئول است.  
وای بر ما اگر ببینیم و بشنویم و سکوت کنیم و بر آنچه در ایران بر هموطنان مان می رود، اعتراض نکنیم.

## گزارشی از خودکشی سه کارگر ایرانی

روزنامه کارگزاران در گزارشی با عنوان "چشم‌های بازمانده در گور"، به بررسی چندین مورد خودکشی در میان کارگران پرداخته است.

اسماعیل محمودلی می‌نویسد: در این گزارش خودکشی سه کارگر را روایت می‌کنم. هر کدام از این وقایع با فواصل زمانی و در نقاط مختلف کشور رخ داده‌اند و در زمان خود به صورت گزارش‌های مستقلی منتشر شده‌اند. حالا پس از گذشت سال‌ها با مدد گرفتن از حافظه و نوشته‌های قدیمی سعی می‌کنم آنها را در آلبومی کنار هم بچینم و از میان‌شان تصویری مشترک نمایش بدهم. آنچه به عنوان «تصویر مشترک» برای روایت انتخاب کرده‌ام نشان می‌دهد که این سه کارگر (در حکم نمونه) ماه‌ها بدون حقوق و در فقر کامل زندگی کرده‌اند، گرسنگی کشیده‌اند و شاهد رنج عزیزان‌شان بوده‌اند اما فقط وقتی تصمیم به خودکشی گرفته‌اند که وجود انسانی‌شان را در خطر نابودی دیده‌اند. شرم مثل عصب است. وقتی هنوز بدن را به واکنش وامی‌دارد یعنی بدن زنده است. شرم از مهماتان غریبه، شرم از دختر بچه هفت ساله‌ای که شوق خریدن روپوش مدرسه را دارد، شرم از دیدن پینه‌های دست فرزند، شرم از پسر سربازی که به خاطر کرایه ماشین هشت ماه به مرخصی نیامده و حتی حقوق ناچیز سربازی‌اش را هم برای خانواده‌اش می‌فرستد. اینها نهایت طاقت انسانی است که شرم را می‌شناسد. از این مرز جلوتر رفتن، انکار جایگاه انسانی است. این مرز را باید با معیار شرافت شناخت. در این گزارش از خودکشی این مردان شریف دفاع نمی‌کنم، اما می‌کوشم آن را درک کنم.

تصویر اول؛ وقتی به کارخانه نساجی رسیدم دو ساعتی می‌شد که جنازه‌اش را از طناب دار جدا کرده بودند. کسی، شاید یکی از همکارانش بالاخره او را به بیمارستان رساند. همه می‌دانستیم که مرده است. سرش تقریباً از بدنش جدا شده بود و تنها به نسوج گردنش وصل بود. اما همکارش اصرار داشت که او را به بیمارستان برساند. من اطراف سوله‌ای خالی که کارگر ۴۰ ساله نساجی خود را حلق‌آویز کرده بود با معدود کارگرانی که از تعدیل نیرو باقی مانده

بودند صحبت می‌کردم. این کارگران را پس از تعطیلی کارخانه نگه داشته بودند تا از ابزار تولید محافظت کنند اما شش ماهی می‌شد که هیچ حقوقی به آنها پرداخت نکرده بودند. ماجرا به اردیبهشت سال ۸۳ باز می‌گردد. دقیقاً وقتی که ته مانده‌های صنایع نساجی یکی پس از دیگری نابود می‌شدند، این صنایع قرار نبود تولید داشته باشند چون قیمت پارچه‌های چینی که از طریق قاچاق وارد کشور می‌شدند از قیمت مواد اولیه تولید پارچه یعنی نخ ارزان‌تر بودند. مشخص بود که تولید سودی ندارد و این کارخانه‌ها باید تعطیل شوند. اما دولت نمی‌خواست هزینه اخراج هزاران کارگر نساجی را متحمل شود پس کارخانه‌ها را به بخش خصوصی واگذار کرد تا آنها به ازای مالکیت رایگان زمین و ابزار تولید، دولت را از شر هزینه‌های سیاسی و اجتماعی اخراج نیروی کار این واحدها خلاص کنند. به ماجرای کارگری که سرش هنوز به رگ و پی گردنش وصل بود بازگردیم. همکاری می‌گفت وقتی از اتاق مدیر کارخانه بازگشت من داشتم چای درست می‌کردم. صدایش زدم بیاید. گفت تا انبار می‌روم و برمی‌گردم. يك ساعت گذشت اما خبری نشد. رفتم دنبالش دیدم جنازه‌اش توی هوا تاب می‌خورد. با نردبان شش متر بالا رفته بود و طناب را به حفاظ سقف بسته بود. از آن فاصله که خودش را رها کرد، گردنش طاقت وزن بدنش را نیاورد و کار تمام شد. کارگران هنوز نمی‌دانستند چرا این‌طور غیرمنتظره خودکشی کرده است. مدیر کارخانه بلافاصله پس از مطلع شدن از خودکشی کارگر، کارخانه را ترک کرده بود. یکی از کارمندان دفتری می‌گفت به سراغ مدیر آمده بوده تا بخشی از حقوق معوقه‌اش را بگیرد. حتی التماس می‌کرد در حد ۱۰ هزار تومان به او قرض بدهند. کارگری که جنازه‌اش را پیدا کرده بود هم می‌گفت چند ساعت قبل از این اتفاق، همسرش تماس گرفته بود خبر بدهد که در خانه مهمان دارند. دو روز بعد از حادثه با همسرش صحبت کردم. هنوز داغ‌دار بود و انگار من بازجویی، چیزی باشم پاسخم را می‌داد: «من بهش حرفی نزدم. فقط گفتم از شهرستان مهمان آمده. موقع برگشت يك چیزی بگیر که جلوی غریبه‌ها آبروداری کنیم. توی خانه چیزی نداشتیم. نمی‌شد غذایی که خودمان می‌خوریم را جلوی مهمان رودرپاستی‌دار بگذاریم. نمی‌دانستم می‌خواهد چنین بلایی سر خودش بیاورد وگرنه لال می‌شدم اگر می‌گفتم.»

#### تصویر دوم؛

روستای فدشك يك جایی وسط کویر است. حدود ۴۵ کیلومتر با بیرجند فاصله دارد؛ پرت و دورافتاده و متروک. فردای روزی که کارگر معدنی در حیاط خانه‌اش خودسوزی کرد به آنجا رفتیم. توی حیاط هنوز بوی گوشت سوخته می‌آمد. شب قبل خانواده‌اش هم نه از صدای فریاد مردی که در آتش می‌سوزد، بلکه از بوی سوختن گوشت آدم زنده از خواب پریده بودند. با دکتر کشیک بیمارستان امام رضا هم که حرف می‌زدم برایش عجیب بود که چطور این مرد در هشیاری بیشتر از يك دقیقه سوختن بدنش را تاب آورده اما فریاد نزده است. همسرش، پیرزنی که گریه صدایش را بریده بود، با کمک پسرش فهماند که مرد کاملاً ناامید شده بود. ۱۷ ماه حقوقش را نداده بودند و او هیچ از دستش بر نمی‌آمد. هربار که به سراغ طلبش از معدن می‌رفت او را به یکی از نهادها و سازمان‌هایی می‌فرستادند که او حتی نمی‌توانست تابلوی سردر ساختمانش را بخواند، چه رسد به کاغذبازی‌های بیهوده‌ای که او را بیشتر از پیش گیج می‌کردند و ناامید درک نمی‌کرد چرا بعد از ۳۰ سال کارکردن در معدن باید برای گرفتن حقش از این اتاق دیگر برود و حرف‌های عجیب و غریب بشنود و آخر سر هم جواب سربالا بگیرد. پسر ۱۶ ساله این مرد هم کنار کوره‌های آجرپزی کار می‌کرد یا برای پیمانکاری از کوه سنگ می‌کند و این قبیل کارها. می‌گفت: «دست‌هایم را از پدرم قایم می‌کردم. حرص می‌خورد وقتی پینه‌های دستم را می‌دید.» این مرد روز آخر زندگی‌اش به معدن رفته بود. همسرش که او را همراهی کرده بود، می‌گفت وقتی داشتیم می‌رفتیم دخترم بهانه می‌گرفت که يك ماه دیگر باید به مدرسه برود و روپوش ندارد. او به دخترم قول داد که برایش روپوش مدرسه بخرد. به محل کارش که رسیدیم به مالک معدن التماس کرد که لااقل ۵۰ هزار تومان از طلبش را بدهند. گفتند فردا بیا. از این فردها زیاد شنیده بود. موقع برگشتن می‌گفت «خدا هم به این جور زندگی کردن من رضا نیست.»

#### تصویر سوم؛

در خردادماه ۸۶، کارگر کنفکار رشت پس از گذراندن يك نیم روز سرشار از تحقیر و کتک، به اندازه پول تاکسی از همکاری قرض گرفت تا سریع‌تر خود را به کارخانه برساند، طنابی به لوله‌های سقف گره بزند و باقی ماجرا. مالک خصوصی صبح آن روز با کمک نیروهای انتظامی، کارخانه را از ابزار تولید خالی کرده بود. کارگران ۱۱ ماه بدون هیچ حقوقی سرکرده بودند و اینک تنها امیدشان با فروش ابزار تولید کارخانه نابود می‌شد. همه می‌دانستند کار تمام است اما تنها کسی که به وضوح پایان کار را دید، او بود. جنازه او را حوالی ساعت يك بعدازظهر پیدا کردند. در آن وقت که خبر را به خانواده‌اش رساندند همسرش در مزرعه همسایه کارگری می‌کرد، پسرش سرباز بود و چون پول مسافرت نداشت هشت ماه به مرخصی نیامده بود و از پادگان خارج نشده بود. خانه نیز در اجاره نهضت سوادآموزی بود. درآمد این خانواده از کارگری موقت زن، ماهی پنج شش هزار تومان حقوق سربازی پسر و ماهی ۱۵ هزار تومان اجاره تنها اتاق خانه به نهضت سوادآموزی تامین می‌شد. دو روز پس از خودکشی کارگر کنفکار که به سراغ خانواده‌اش رفتیم، همسرش وقتی اوضاع را شرح می‌داد بی‌مقدمه از من پرسید: «مدانی سبب زمینی کیلویی ۶۰۰ تومان است؟» با يك حساب سرانگشتی می‌شد فهمید که این خانواده بعد از ۲۵ سال کارکردن حتی از عهده سیرکردن شکم‌شان هم بر نمی‌آیند. این کریه‌ترین چهره فقر است.

همسرش می‌گفت؛ «يك وقت‌هایی در را که باز می‌کردم می‌دیدم جلوی در ایستاده. خجالت می‌کشید در بزند و داخل شود. صبح‌ها که می‌رفت دنبال حق و حقوقش می‌گفت؛ ان‌شاءالله امروز می‌شود. بعد از ظهر دست خالی برمی‌گشت و جلوی در می‌ایستاد.» آنچه فهمیدم این بود که از زمان واگذاری کارخانه کنفکار به بخش خصوصی، در حدود سه سال این کارگران را در پلاتکلیفی نگه داشته بودند. ۱۶ ماه بیمه بیکاری و وعده و وعید که امروز و فردا کارخانه دوباره راه می‌افتد، پس از آن هم این کارگران ۱۱ ماه بدون حقوق سپری کرده بودند تا اینکه متوجه شدند ابزار تولید کارخانه در حال فروش است. من می‌گویم ابزار تولید، شما هم می‌خوانید، اما ابزار تولید برای کارگری که به امید کارکردن با آن زنده است فقط «کلمه» نیست، همه زندگی است. شاید آخرین گفت‌وگوی تلفنی کارگر کنفکار با پسرش، دو روز پیش از خودکشی برای درک «ابزار تولید» به ما کمک کند؛ «روز پنج‌شنبه از پادگان با پدرم صحبت کردم. از پشت تلفن معلوم بود که حالش بد است. بریده بود انگار. می‌گفت شنبه می‌خواهند دستگاه‌ها را ببرند. مادرت صبح تا غروب توی مزرعه مردم کار می‌کند، من هم هر روز می‌روم استانداری اما هیچ کس به ما جوابی نمی‌دهد. می‌گفت کار تمام است... هیچ کسی به داد ما نمی‌رسد. گفت دفترچه‌های تامین اجتماعی ۱۱ ماه است که تمدید نشده. اگر خواهرت مریض بشود کجا ببرمش؟ بعد گفت؛ من چه کار کنم با ۴۸ سال سن؟ زمین دارم که کشاورزی کنم؟ دیگر کجا کار کنم؟ به جوان‌ها کار نمی‌دهند، به من کار می‌دهند؟ می‌گفت من چه کار کنم از این به بعد؟»

درست در همین لحظه عجیب‌ترین واکنشی که انتظارش را می‌کشم به غلیان افتادن احساسات لطیف مخاطبان این گزارش‌ها است. بی‌چارگی چاه بی‌ته است. وقتی آدم بی‌پناهی در آن می‌افتد، می‌تواند سال‌ها فرو برود و همچنان زنده باشد. آنکه تصمیمی برای نجاتش می‌گیرد، هر تصمیمی، مستحق ترحم من و شما نیست. این اوج میان‌مایگی است که علت خودکشی را تنها در فقر این آدم‌ها خلاصه کنیم و برای‌شان دل بسوزانیم. حتی برقراری ارتباطی میان خودکشی و کارگر و خودکشی متعارف یکی از ما (آدم‌های طبقه متوسط یا مرفه) می‌تواند نوعی از بدفهمی رایج و البته عامدانه برای شانه خالی کردن از بار مسوولیت باشد. نه. خودکشی این کارگران از روی انفعال و شاید ملال نیست. آنها تا جایی که مرز انسان بودنشان مخدوش نشود، هرگز تصمیم به چنین اقدامی نمی‌گیرند.

کار گزاران - دوشنبه، ۶ خرداد، ۱۳۸۷

## فقرای پنهان سرزمین ما

سعید ارکان زاده‌یزدی: اگر بخواهیم تهران را که پایتخت ایران است و ۱۰ درصد جمعیت کشور در آن زندگی می‌کنند، به شمالی مرفه و جنوبی محروم و فقیر تقسیم کنیم، چه خیابانی را باید مرز شروع فقر بگیریم؟ خیابان آذربایجان؟ پس ساکنان دروازه‌غار چه بگویند؟ خیابان شوش؟ پس اهالی دولت‌آباد در شهرری چه؟ فلکه دوم دولت‌آباد؟ پس محله «باروت‌کوبی» چه؟ مرز فقر را با «خط فقر» نشان می‌دهند که بر اساس درآمد خانوار مشخص می‌شود نه با موقعیت جغرافیایی محل سکونت افراد، اما از دوران رضاشاهی تا کنون، اهالی تهران دیده‌اند آنکه شمال‌تر می‌نشینند، وضعیتش بهتر است و البته استثنا در این میان بسیار است. برای یافتن محله‌ای که آثار فقر مردمانش نمایان باشد، راه دوری نباید رفت و يك ساعته می‌توان به محله‌هایی رسید که مردم تلاشگرش از صبح تا شب، در حال دويدند تا بتوانند تنها احتیاجات اولیه همان روزشان را رفع کنند؛ محله‌های حاشیه‌ای اسلامشهر، پاکدشت و ورامین پر از این منظره‌هاست. هرچند که خیلی از اهالی پایتخت که فقیر هم نشان نمی‌دهند گرفتار چنین تلاش شبانه‌روزی‌ای برای معاشند.

یکی از خیابان‌های منشعب شده از میدان حضرت عبدالعظیم در شهرری، در جنوب تهران، خیابان «فداییان اسلام» است که از سوی دیگر به میدان «بسیج مستضعفین» می‌رسد. از آن سوی این میدان، خیابان «ابن‌بابویه» شروع می‌شود و انتهای ابن‌بابویه به خیابان «شهید علینواز» برمی‌خورد و آخر این خیابان، فلکه دوم «دولت‌آباد» واقع شده که محله‌ای آباد است و بازارش همه چیز دارد. اما با يك ربع ساعت پیاده‌روی از دولت‌آباد به سمت جنوب، محله «باروت‌کوبی» شروع می‌شود که کنار کارخانه متروک سیمان واقع شده و مناظرش بیشتر به روستا شبیه است تا تکه‌ای از يك شهر.

اهالی باروت‌کوبی فقیر هستند اما نه مثل فقراي مناطق محروم کشور که با لباس‌های ژنده در خیابان بگردند و در کپر زندگی کنند؛ لباس پوشیدن آنها و کردارشان همچون سایر اهالی شهر است و با دیدن ظاهر نمی‌توان به فقرشان پی برد. اما به خانه‌ها که نزدیک می‌شوی، نشان می‌دهند که ساکنانشان چه وضعی دارند؛ پسر جوانی که از خانه‌ای ۵۰

متری و يك طبقه با دری زنگزده و نمایی از آجر خام و پنجره‌هایی شیشه‌شکسته بیرون می‌آید، شلوار جینی پوشیده و کیفی بر شانه انداخته و از باروت‌کوبی به قصد مرکز شهر بیرون می‌رود. بسیاری اینچنین ظاهر خود را آراسته نگه می‌دارند تا از فواید دارا بودن محروم نشوند؛ فقر، آنها را از داشتن دوستی خوب و ورود به جمع‌های رو به پیشرفت باز می‌دارد و بیش از همه، مایه شرمساری درونی آنهاست و ناآگاه منزوی و منفعل‌شان می‌کند. آنها که اغلب فرزندان فقرای نسل قبل بوده‌اند، از این که بختشان چنین بوده ناراضی‌اند و می‌بینند که توجه جامعه عملاً معطوف به پولدارهاست و با دسترنج و تلاش طاقت‌فرسا و البته نه با ارتباط و همراهی با فساد، افرادی با بنیه فکری متوسط به سختی به مدارج بالاتری برسند.

باروت‌کوبی واقعی، کارخانه‌ای قدیمی بوده که حالا از بین رفته و جایش را با يك آب‌نمای «مصنوعی» بلند که نورافکن‌هایی در پیرامون روشنش می‌کند و يك زمین فوتبالی، پر کرده‌اند. زمین با چمن «مصنوعی» پوشانده شده که نشان می‌دهد شهرداری توجهی به این محله هم داشته است. در ظل آفتاب پسر بچه‌هایی فوتبالی بازی می‌کنند و هر از چندی به توالی عمومی هم سری می‌زنند که کاسه روشویی‌اش شکسته و صابونی هم ندارد. تمام آراستگی محله باروت‌کوبی دو ساختمان مرتفع نوساز مسکونی است و همین يك زمین و آب‌نما و دو تاب و يك سرسره و يك الاکلنگ برای خردسالان و البته در شمال محله هم، ساختمانی چهار طبقه با آنتن تلفن همراه بر دوشش. بقیه محله شامل خانه‌هایی عمدتاً يك طبقه است که درها به فاصله کمتر از پنج متر از هم، ردیف شده‌اند و دکان‌ها محقر و کودکان توی کوچه به بازی مشغول. خانه‌ها نمایی ندارند و معلوم است که با چه مصالحی ساخته شده‌اند و روی پشت‌بام‌ها وسایل به‌دردنخور پشته شده. مساحت خانه‌ها در حدود ۶۰ یا ۷۰ متری است. در یکی از منازل باز است و داخل حیاط معلوم است؛ حیاطی بسیار کوچک با بند رختی و چند تکه لباس بر آن و گوشه‌ای سینک ظرفشویی قدیمی و گوشه دیگر توالی و شنگی که از در توالی حیاط افتاده و يك ماشین کهنه‌شوی دوقلو گوشه‌ای و يك خروار وسیله رویش انباشته و بالای در حیاط، از بیرون تابلوی کوچکی که «گلدوزی پذیرفته می‌شود».

باروت‌کوبی دو زمین بسیار وسیع و خاکی دارد که قسمت‌هایی از آن، محل جمع‌آوری زباله شده. در جوی‌های دور زمین‌ها، مایع سبزرنگ بدبویی جریان دارد. در یکی از این زمین‌ها، کودکانی داخل بار قدیمی يك وانت که حالا روی زمین رها شده، رفته‌اند و بازی می‌کنند. گوشه آن زمین خاکی دیگر، حجله‌ای گذاشته‌اند و آگهی‌های تسلیت می‌گویند که جانبازی به تازگی شهید شده؛ کوچه‌های باروت‌کوبی، همه به نام شهیداست؛ شهید افکاری، شهید تاجیک، شهید صفری، شهید طبانی، شهید فریماتی، شهید ملکی‌جوکار، شهید عمرانی و...

ساعت يك ربع به دوازده، وقت تعطیلی مدرسه‌هاست و دختران با مانتو و مقنعه مدرسه به خانه‌ها باز می‌گردند. مدرسه‌ها که یکی از آنها را موسسه‌ای خیریه ساخته، کمی بالاتر از باروت‌کوبی است. چهار دختر در خیابان به سمت باروت‌کوبی می‌آیند که پسر بچه‌ای ۸ یا ۹ ساله، از مقابل دختران می‌گذرد و فحش نثارشان می‌کند؛ قطعاً پسر نمی‌دانست معنی فحشش چیست. یکی از دخترها خیلی خونسرد رو به پسرک برمی‌گردد و می‌گوید «باباته» و دوباره به حرف زدن با هم‌مدرسه‌ای‌هایش مشغول می‌شود.

امنیتی شدن ماجرای خط فقر

باروت‌کوبی نسبت به مناطق محروم دور از پایتخت، چندان هم با فقر و محرومیت دست به گریبان نیست؛ برق دارد و آب لوله‌کشی و تلفن و کوچه‌هایش آسفالت شده و مردمانش ربع ساعته به دولت‌آباد می‌رسند که اتوبوس و پزشک و دکان‌های رنگارنگ دارد؛ **اوضاعش از خیلی از روستاهای سیستان و خوزستان و هرمزگان و خراسان جنوبی و لرستان بهتر است.** با این حال، اگر دولت خط فقر را مطابق وظیفه‌ای که داشت، اعلام می‌کرد، می‌شد دید خیلی از اهالی باروت‌کوبی که هیچ، حتی کسر قابل‌توجهی از اهالی تهران نیز که همه امکانات در آن متمرکز شده، در حوالی خط فقر و زیر آن روزگار می‌گذرانند.

طبق وظایف قانونی دولت، وزارت رفاه باید تا آخر اردیبهشت‌ماه امسال، خط فقر سال ۸۶ را اعلام می‌کرد اما این اتفاق نیفتاد؛ اصلاً عبدالرضا مصری که وزیر رفاه است، اعتقادی به اعلام کردن خط فقر ندارد. او گفته است که «اعلام خط فقر دردی را از مردم دوا نمی‌کند» چون آنهایی که درآمدشان کمتر از خط فقر است با اعلام این خط، احساس فقیر بودن می‌کنند. از این سخنان وزیر رفاه می‌توان چنین استنباط کرد که لایه تعداد زیادی از مردمان این کشور گرفتار فقرند که دو سال است به خاطر اینکه احساس فقیر بودن نکنند، هیچ خط فقری اعلام نشده است. احتمال دیگر هم این است که دولت در عمل به شعارهای خود در فقرزدایی موفق نبوده و برای نشان ندادن این کاستی، خط فقر را اعلام نکرده است؛ دانستن خط فقر، برای برنامه‌ریزی رفاه و پی بردن به اینکه کجای کاریم، ضروری است.

**اما در هر حال، سازمان‌ها و متخصصان غیردولتی، کار خود را می‌کنند و اعدادی را در محدوده خط فقر اعلام کرده‌اند که با تندی مسوولان فعلی وزارت رفاه هم روبه‌رو شده است. حدود ۱۵ روز پیش، حسین راغفر که مشاور وزیر رفاه دولت اصلاحات بود، در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرد که خط فقر مطلق يك خانواده پنج‌نفره در کشور ۴۰۰ هزار تومان و در تهران ۷۷۰ هزار تومان است و ۳۵ درصد مردم کشور زیر خط فقر مطلق قرار دارند. اما چند روز بعد، سخنگوی وزارت رفاه که از این آمار برآشفته بود، تلویحاً راغفر را به گام برداشتن در راه «صهیونیست‌ها» متهم کرد؛ او گفت: «پروژه فقر و نابرابری در ایران مدت‌هاست در دستور کار نهادهای بین‌المللی و مراکز وابسته به صهیونیست‌ها قرار گرفته و همراه با موضوع حقوق بشر در ایران، به عنوان کلیدی‌ترین موضوعات قابل طرح علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد و حجم تبلیغات منفی علیه جمهوری اسلامی در این**

خصوص در برخی موارد بیشتر از تبلیغات علیه موضوع فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان است. جای تاسف فراوان است که برخی افراد و جریان‌های داخلی اصرار دارند همچنان با بیگانگان و بر خلاف آمارهای رسمی و استنادات کارشناسی، جمعیت فقیر کشور را بسیار بیشتر از واقعیت موجود نشان دهند و ناخواسته با سیاه‌نمایی به کتمان زحمات و تلاش‌های ۳۰ ساله دولتمردان گذشته و حال جمهوری اسلامی ایران بپردازند.» با این حرف‌ها، می‌توان پیش‌بینی کرد که به تدریج موضوع فقر هم در شمار مسائل قرار می‌گیرد که پرداختن به آن ممنوع خواهد شد، جای می‌گیرد و پرونده‌سازی‌های سخنگوی وزارت رفاه هم موید همین نکته است.

طبق آمار، خرج بیشتر از دخل است

فقر وقتی با نابرابری همراه شود، می‌تواند بسیار مخرب باشد؛ احساس تبعیض و پس از آن عقب‌ماندگی در همه سطوح یک جامعه، از هنگامی رشد می‌کند که در آن همه مردمان نتوانند با استعدادهای یکسان به مدارج و جایگاه یکسان برسند و از آن سو، فقر هم مانعی برای همین رشد اندک باشد؛ در جوامع نابرابر، برخی فقرا به واسطه رانت‌های ناشی از ارتباط با قدرتمندان یا افزایش سرمایه به دلیل وضعیت غیر عادی اقتصادی، به ثروت‌های هنگفت می‌رسند و برخی از فقرای بی‌پناه نیز روز به روز آسیب‌پذیرتر می‌شوند. در این میانه، جمعیت بسیار زیادی از افراد طبقه متوسط نیز می‌بینند که هر روز بیشتر از قدرت اقتصادی دستمزد و حقوقشان کاسته می‌شود و به سمت طبقه پایین‌تری کشیده می‌شوند. طبق اعلام رسمی آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران، متوسط هزینه‌های خالص یک خانوار شهری در سال ۸۵، به میزان ۶ میلیون و ۷۲۸ هزار تومان و در عوض متوسط درآمد یک خانوار شهری ۶ میلیون و ۵۵۶ هزار تومان بوده است. متوسط هزینه‌های خالص یک خانوار روستایی در این سال نیز، ۴ میلیون و ۱۵۷ هزار تومان و متوسط درآمد یک خانوار روستایی ۳ میلیون و ۹۱۳ هزار تومان بوده است. مرکز آمار هنوز اطلاعاتی از سال ۸۶ اعلام نکرده است اما می‌توان در این زمینه پیش‌بینی‌هایی کرد؛ حسین راغفر متخصص حوزه رفاه اجتماعی گفته است که در سه سال اخیر، جمعیت افراد زیر خط فقر مطلق کشور، سالانه رشد ۱۸ درصدی داشته است.

در ایران دو نهاد کمیته امداد و سازمان بهزیستی مسوولیت کمک به فقرا را بر عهده دارند. کمیته امداد که نهادی فارغ از نظارت دولت است، امسال حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان بودجه داشته اما اعلام کرده است هیچ مددجوی جدیدی نخواهد پذیرفت. سازمان بهزیستی هم با وجود افزایش بودجه‌ای که در سال جدید داشته، باز هم برای پیشبرد اهداف خود در کمک به معلولان و زنان خودسرپرست و کودکان بی‌سرپرست، اعتبار بسیار بیشتری نیاز دارد. به علاوه، کمیته امداد و سازمان بهزیستی باید مراقب افرادی باشند که دارای فقر حاد هستند و مشخص نیست چه سازمانی متولی حمایت از درصد زیادی از مردم است که هر چه درمی‌آورند را بدون اینکه برای روز مبادا ذخیره‌ای بیندوزند یا در فکر آینده‌ای بهتر باشند، خرج می‌کنند. تنها کمکی که به این افراد می‌شود ارائه برخی یارانه‌هاست که آن هم به دلیل توزیع نامناسب، بیشتر در جهت منفعت ثروتمندان صرف می‌شود؛ موسی‌الرضا ثروتی نماینده مجلس هفتم، به خبرگزاری فارس گفته بود ثروتمندان پنج برابر فقرا از آب و نان و بنزین و سایر اقلام یارانه‌دار استفاده می‌کنند.

دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۷

## گزارش خبرگزاری فارس از قیمت ملک در بازار تهران

### حجره متری ۱۰۰ میلیون تومان؟

اینجا فقط حرف پول است و پول، اینجا هر روز و هر لحظه میلیاردها تومان پول رایج کشور رد و بدل می‌شود، اینجا هر وجب و هر سانتیمترش از طلا گران‌تر و باارزش‌تر است، اینقدر با ارزش که به گفته صاحبان مغازه‌ها قیمتش کیلویی تعیین می‌شود، اینجا قلب تجارت و بازرگانی کشور، بازار بزرگ تهران است.

اگر تا به حال گذرتان به بازار بزرگ تهران افتاده باشد، می‌بینید که تنها چیزی را که در آن نمی‌توان قیمت‌گذاری کرد مغازه‌های داخل سراها و راسته‌های آن است.

قیمت مغازه‌ها در داخل بازار بزرگ تهران به هیچ عنوان بر مبنای یک قیمت مشخص و منطقه‌ای تعیین نمی‌شود اینجا هر کس هر قیمتی بخواهد روی مغازه خود می‌گذارد.

ریش‌سفیدها قیمت تعیین می‌کنند

خبرگزاری فارس گزارش می‌دهد: یکی از راه‌های تعیین قیمت مغازه‌ها در بازار تهران نظر ریش‌سفیدها است. اگر فردی قصد فروش مغازه خود را داشته باشد و فردی نیز پیدا شود که طالب این مغازه باشد به جای رفتن به بنگاه هر دو به اتفاق یکدیگر سراغ ریش‌سفیدها و یا قدیمی‌های بازار برای تعیین قیمت مغازه می‌روند. اگرچه قیمت مغازه‌ها در بازار تهران نجومی و برای دارندگان مغازه‌ها، فروش مغازه با این قیمت‌ها و سوسه‌انگیز است، اما کمتر کاسبی حاضر به فروش مغازه خود است. ترس از گران شدن مغازه تنها در عرض یک روز و ناتوانی در خرید مغازه‌ای دیگر موجب شده تا فروشندگان از معامله و فروش مغازه خود خودداری کنند.

### قیمت‌های کیلویی

امیر عباسی آجیل فروش خیابان ۱۵ خرداد به خبرنگار فارس می‌گوید: یک سال است که در خیابان ۱۵ خرداد خرید و فروش مغازه انجام نشده است چون قیمت‌ها بسیار بالا است و کسی هم حاضر به فروش نیست. وی ادامه می‌دهد: قیمت مغازه در خیابان ۱۵، خرداد موقعیتی تعیین می‌شود و بر اساس متران نیست؛ البته باید بگویم که قیمت‌ها در این منطقه کیلویی است.

### متری ۱۰۰ میلیون تومان

عباسی در خصوص حدود قیمت مغازه در خیابان ۱۵ خرداد می‌گوید: قیمت مغازه در خیابان ۱۵ خرداد متری حدود ۱۰۰ میلیون تومان به بالاست؛ البته در این خیابان مغازه متری ۸۰ میلیون تومان هم وجود دارد که آن هم به محل مغازه مربوط می‌شود.

### مغازه ۴ میلیارد تومان

مرتضی فضل‌اللهی مغازه دار راسته پتروشان واقع در سبزه میدان به خبرنگار شهری فارس می‌گوید: قیمت مغازه‌ها در محدوده سبزه میدان بالاست و در حقیقت نمی‌توان گفت که اینجا قیمت مغازه متری تعیین می‌شود. وی ادامه داد: قیمت مغازه در این منطقه به صورت موقعیتی تعیین می‌شود؛ البته باز هم قیمت‌ها متفاوت است به عنوان مثال قیمت یک باب مغازه ۶۰ متری در این محدوده ۴ میلیارد تومان هم معامله شده است که مربوط به یک سال پیش است.

رجبی مغازه‌دار لباس فروش در محدوده ۱۵ خرداد در خصوص اجاره بهای یک باب مغازه در بازار می‌گوید: در محدوده میدان ۱۵ خرداد اجاره یک باب مغازه حدوداً ماهی ۲ میلیون تومان با پیش‌پرداخت ۷۰ میلیون تومان است. وی ادامه داد: اینجا اجاره بهای یک باب مغازه به صورت سالانه محاسبه و ابتدا نیز دریافت می‌شود؛ یعنی به طور معمول اجاره یک باب مغازه ۱۵ متری سالانه حدود ۴۰ میلیون تومان تا ۵۰ میلیون تومان است.

حجره بهتر از بانک سود می‌دهد

قیمت مغازه در پانچار حدود ۴۵ میلیون تا ۵۰ میلیون تومان تخمین زده می‌شود. رحیم‌پور می‌گوید: قیمت‌ها در این مکان بالاست و هر چند که بازار مثل گذشته نیست؛ اما کسی هم حاضر به فروش نیست. وی ادامه داد: حتی اگر بازار کساد هم باشد ما حاضر به فروش مغازه و سپرده‌گذاری در بانک نیستیم؛ چرا که سال به سال قیمت مغازه بالاتر می‌رود بنابراین این سرمایه‌گذاری بهتر از سپرده‌گذاری در بانک است. فروشندگان بازنده‌اند

بازار سلطانی نیز یکی از بازارهایی است که بیشتر به فروش بدلیجات و لباس زیر اختصاص دارد و قیمت مغازه در آن نسبت به سایر بازارها از قیمت‌های پایین‌تر برخوردار است.

بهزاد رضائی در خصوص قیمت مغازه در این محدوده می‌گوید: قیمت‌ها به صورت متران تعیین نمی‌شود؛ چراکه هر فردی هرچه که دوست داشته باشد قیمت می‌دهد.

وی ادامه داد: خرید و فروش مغازه به ندرت صورت می‌گیرد و دلیل آن هم این است که فروشندگان بازنده این معامله است؛ چرا که اگر مغازه خود را بفروشد دیگر نمی‌تواند مغازه‌ای با همان مشخصات خریداری کند پس کسی فروشنده نیست، حتی اگر پول بیشتری بدهد.

### منبع: دنیای اقتصاد

## بازار مسکن ایران از نگاه خارجی‌ها

### تداوم سقوط مسکن در آمریکا

دنیای اقتصاد- خبرگزاری رویترز در گزارشی از وضعیت بازار مسکن در ایران، دو دلیل عمده را برای روند فزاینده قیمت‌ها در این بازار معرفی کرده است. در این گزارش کاهش دستوری نرخ بهره و سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور دو عامل اساسی برای دامن زدن به گرانی مسکن در ایران تحلیل شده است.

### نرخ بهره پایین، تقاضای زیاد و هجوم سرمایه‌های ایرانیان مقیم خارج

#### عوامل تحریک بازار مسکن ایران از نگاه رویترز

خبرگزاری فرانسه در حال حاضر بسیاری از صنعتگران ترجیح می‌دهند بخشی از سرمایه خود را در بخش مسکن وارد کنند

#### نیلوفر قدیری

خبرگزاری رویترز در گزارشی از وضعیت بازار مسکن در ایران، دو دلیل عمده را برای روند فزاینده قیمت‌ها در این بازار معرفی کرده است.

در این گزارش کاهش دستوری نرخ بهره و سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور دو عامل اساسی برای دامن زدن به گرانی مسکن در ایران تحلیل شده است.

آنچه در پی می‌آید عین گزارش خبرگزاری رویترز از بازار مسکن کشورمان است:

#### میلیونرهای تهرانی

خاتم ن. احتشامی برای خرید خانه‌ای شیک به تازگی ۶ میلیون دلار پول پرداخته است. اشتباه نکنید این خانه در نیویورک یا لندن نیست. این خانه در تهران پایتخت ایران واقع است. او که ۵۶ سال سن دارد و یک طراح داخلی از خانواده‌ای ثروتمند در شمال تهران است، می‌گوید: من حالا یک میلیونرم.

اما هیچ چیز دیگر در زندگی این زن به زندگی میلیونرها شبیه نیست. او درحالی‌که که کنار پنجره خانه‌اش ایستاده و آن را می‌بندد، می‌گوید: احساس می‌کنم که در یک هلی‌کوپتر نشسته‌ام. از اینجا من کل شهر را می‌بینم. این ماجرابی است که اکنون در کل دنیا هم تجربه شده است، یعنی افزایش ناگهانی قیمت‌ها که بخشی از آن از وام‌دادن‌های آسان ناشی می‌شود. اما در ایران مردم بسیار از قیمت بازار عقب هستند.

آقای م. باقری یک بازرگان است که از سال ۱۹۸۰ در آلمان زندگی می‌کند و امیدوار است که از این الگوی جدید در ایران سود هنگفتی نصیب خود کند.

او از اروپا جایی که در آن زندگی می‌کند وام می‌گیرد و در تهران آپارتمان می‌خرد. او می‌گوید که به زودی به یک ابرثروتمند تبدیل می‌شود.

از سال ۲۰۰۵ (یعنی بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری ایران)، بازار املاک در این چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت دنیا رونق گرفته است. کارشناسان اقتصادی می‌گویند که قیمت املاک در ایران تنها در سال ۲۰۰۷، بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. این افزایش قیمت در سال ۲۰۰۶ بیش از ۶۲ درصد و در سال ۲۰۰۵ بیش از ۵۰ درصد بوده است. بعضی کارشناسان اقتصادی می‌گویند که این افزایش قیمت ادامه خواهد یافت؛ چرا که با پایین کشیدن نرخ بهره به میزانی کمتر از نرخ تورم، ایرانی‌ها و سرمایه‌گذاران در بازار ملک به دنبال فرصتی برای سود بیشتر می‌گردند.

رضا عبدی‌زاده از کارشناسان اقتصادی می‌گوید که این افزایش قیمت ممکن است یک حباب باشد. این روند شاید روندی کاذب باشد؛ چرا که سیر افزایش قیمت‌ها منطقی نیست. اما فعلاً که یک حقیقت است. قیمت مسکن در ایران معمولاً کم نشده است. دولت ایران ممکن است بتواند روند افزایش قیمت را متوقف کند اما بعید است که بتواند آن را پایین بیاورد.

## وام‌های سریع

دولت محمود احمدی‌نژاد طرحی را برای دادن وام‌های سریع به بنگاه‌های زودبازده به اجرا گذاشت. بر اساس این طرح به افراد و شرکت‌هایی که برای ایجاد شغل در ایران برنامه دارند مقدار زیادی وام داده می‌شود. نرخ بیکاری در ایران بالای ۱۰ درصد است. این برنامه که نوعی بسته محرک اقتصادی بود، باعث افزایش تورم شد و انتقاد و هشدار بسیاری از جمله طهماسب مظاهری رییس کل بانک مرکزی ایران را برانگیخته است. سعید لیلایز یک کارشناس اقتصادی در این زمینه می‌گوید: این کار مشکلاتی به وجود می‌آورد، زیرا موضوع و مشکل اصلی وجود سرمایه و نقدینگی است.

دولت گفته است کسانی که از این پول به جای ایجاد اشتغال، برای سرمایه‌گذاری در ملک استفاده کنند برای ۵ سال از دریافت هرگونه وامی محروم خواهند شد.

احمدی‌نژاد که به خاطر این سیاست‌ها مورد انتقاد کارشناسان اقتصادی قرار گرفته بود، نرخ بهره را با وجود رشد شدید نقدینگی در سال گذشته کاهش داد. اکنون نرخ بهره زیر نرخ تورمی است که اکنون بالای ۲۰ درصد در سال است.

## پرش ناگهانی

علی افشاری یکی از بنگاهداران معاملات ملکی در این باره می‌گوید: وقتی فرصت دیگری برای سرمایه‌گذاری وجود نداشته باشد و نرخ بهره بانکی هم زیر نرخ تورم باشد طبیعی است که پول به سوی بازار املاک سرازیر می‌شود. دولت تاکنون در تلاش برای مهار قیمت‌ها در این بازار ناموفق بوده است. هر سال یک میلیون نفر خواستار مسکن در ایران به این بازار وارد می‌شود و این درحالی است که هر سال در این کشور تنها ۶۰۰ هزار خانه جدید ساخته می‌شود. به این ترتیب میزان کمبود مسکن بالاست.

ح. تقوی کارمند است و دو فرزند دارد. او خانه ۶۰ متری خود را در تهران فروخته تا خرج عروسی پسرش را تامین کند. از آن زمان تا کنون او حتی نتوانسته یک آپارتمان کوچکتر برای خود و خانواده‌اش اجاره کند. این درحالی است که او فکر می‌کرد با فروش خانه‌اش می‌تواند یک آپارتمان کوچکتر خریداری کند و خرج عروسی پسرش را هم بدهد. اکنون اما او در سن ۵۵ سالگی بدون خانه و سرپناه مانده است.

بعضی دلالتان معاملات ملکی و بنگاهداران با شعله‌ورتر کردن این آتش، پیش‌بینی می‌کنند که در ماه‌های آینده قیمت‌ها با یک جهش روبه‌رو می‌شود. این پیش‌بینی

آنها ناشی از فشارهای بین‌المللی است که این روزها بر ایران شدت گرفته است.

نرخ پایین بهره، تقاضا برای مسکن و تهدیدهای بین‌المللی همگی به این افزایش قیمت دامن می‌زند و این درحالی است که ایرانی‌ها بیشتر از گذشته سرمایه خود را در بخش مسکن و ساخت و ساز سرمایه‌گذاری می‌کنند. سرمایه خارجی در موفقیت این بازار نقش بزرگی دارد، زیرا ارزش ریالی پول ایرانی‌های ساکن خارج از کشور در سال‌های اخیر افزایش یافته است. دلیل آن هم این است که ایرانی‌ها نگران آن هستند که دارایی‌شان در بانک‌های خارجی در اثر تحریم‌های آمریکا بلوکه شود. به همین دلیل این پول را به ایران می‌فرستند.

باقر صفریان یک مهندس عمران که در کار ساخت‌وساز انبوه خانه در جنوب تهران مشغول است، می‌گوید، قیمت‌ها افزایش خواهد یافت چرا که رونق ساخت‌وساز در بخش‌های عمده کشور از جمله شهرهای نزدیک تهران رونق قابل توجهی گرفته است. او می‌گوید، مردم پول دارند و با کاهش ارزش در مقابل دلار و طلا ترجیح می‌دهند که در بازار املاک سرمایه‌گذاری کنند.

محمود رحیمی یک کارمند ۳۵ ساله دولت است که زندگی او هم در اثر این افزایش ناگهانی قیمت لطمه دیده است.

او می‌گوید اکنون خرید یک آپارتمان خیلی کوچک هم در تهران غیرممکن است قیمت‌ها اکنون بین متری ۲ هزار تا ۲۰ هزار دلار در نوسان است.

رحیمی می‌گوید: حتی اگر ما هیچ چیزی نخوریم و طی ۴۰ سال حتی یک ریال هم خرج نکنیم شاید بتوانیم بعد از این مدت یک خانه ۲۰ متری بخریم. البته اگر تا آن زمان قیمت‌ها ثابت بماند و بیشتر نشود.

## رقابت تهران و پاریس

خبرگزاری فرانسه نیز در گزارشی به بررسی وضعیت مسکن در تهران پرداخت و نوشت: در حالی که اقتصاد ایران از تورم صدمه می‌بیند، مالکان خانه در ایران به سرعت در حال ثروتمندتر شدن هستند.

این خبرگزاری اد امه داد: یک پنت‌هاوس لوکس هزار و ۴۰۰ متری در شمال تهران اخیراً ۲۱ میلیون دلار به فروش رفت که قیمت هر مترمربع آن حدود ۱۵ هزار دلار بوده است، این در حالی است که میانگین حقوق ماهانه ایرانیان معادل ۳۰۰ تا ۴۶۰ دلار در ماه است.



در حالی که بازار مسکن در آمریکا دچار مشکل شده است، قیمت‌های خانه در مناطق حومه شهر تهران طی سه ماه دست کم ۱۰ میلیون ریال (بیش از هزار دلار) افزایش یافته است.  
به اعتقاد خبرگزاری فرانسه، قیمت مسکن در تهران قابلیت رقابت با قیمت مسکن در پاریس را دارد به طوری که در پایتخت فرانسه هر متر مربع خانه ۱۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال (شش هزار و ۵۰۰ تا ۱۰ هزار و ۷۰۰ دلار) معامله می‌شود.

یک آژانس املاک در تهران با اعلام اینکه متراژ خانه‌های شمال شهر تهران به طور میانگین ۲۰۰ متر مربع است، گفت: برای خرید خانه در مناطق شمالی شهر باید دست کم یک میلیون دلار پرداخت کنید.  
با توجه به فعالیت بی‌رونی بازارهای سهام، بخش املاک یکی از مطمئن‌ترین بخش‌ها برای جذب نقدینگی است که در پی افزایش قیمت نفت به اقتصاد ایران سرازیر شده است.

این خبرگزاری در ادامه گزارش خود که ایسنا آن را منتشر کرده است، به امکانات لوکس خانه‌های شمال تهران پرداخته و می‌نویسد: تسهیلاتی همچون استخر، سونا، جکوزی و غیره در خانه‌های نوساز به وفور یافت می‌شود تا خریداران ثروتمند بیشتری جذب شوند به طوری که حتی یکی از برج‌های مسکونی تهران دارای محل مخصوص فرود هلی‌کوپتر هست و برخی از آنها از آسانسورهایی برای منتقل کردن خودروها به داخل آپارتمان نیز برخوردارند.  
این در حالی است که افزایش قیمت مسکن تنها منحصر به مناطق شمالی شهر تهران نیست و دیگر مناطق و شهرهای بزرگ همچون اصفهان، مشهد و تبریز نیز با چنین افزایش قیمتی مواجه هستند به طوری که در شهر پرنده و هشتگرد که در حومه تهران نیز قرار دارند قیمت‌ها افزایش داشته‌اند.

یک صاحب آژانس املاک می‌گوید: مسکن سودمندترین محل برای سرمایه‌گذاری است، قیمت‌ها طی یک سال پیش ۱۰۰ درصد افزایش داشته و به افزایش خود نیز ادامه خواهد داد. هیچ بخش دیگری چنین سوددهی ندارد.  
این در حالی است که بسیاری دیگر نیز چنین عقیده‌ای دارند. صاحب یک فروشگاه فست‌فود معروف تهران با اعلام اینکه بازار مسکن برای سرمایه‌گذاری محل مناسبی است، می‌گوید: ما در ماه‌های شلوغ ژانویه و فوریه تنها شش درصد سود داشته‌ایم، این در حالی است که سود بازار مسکن بسیار بیشتر است.

یک صنعتگر ایرانی که افزایش قیمت‌ها منجر به تعطیلی دو شرکت واردات محصولات پتروشیمی او شده می‌گوید، ما طی یک سال در حدود ۸۰۰ هزار دلار زیان کردیم و پس از آن سرمایه‌گذاری در بخش مسکن را انتخاب کردیم و جالب بود که طی دو ماه سود برابر با زیان خود را به دست آوردیم.

به اعتقاد تحلیلگر خبرگزاری فرانسه، در حال حاضر بسیاری از صنعتگران ترجیح می‌دهند تا بخشی از سرمایه خود را در بخش مسکن وارد کنند. در حالی که برخی از ناظران پیش‌بینی می‌کنند که حباب کنونی مسکن خواهد ترکید، دیگران معتقد هستند که بهای مسکن همچنان به افزایش خود ادامه خواهد داد.

### مظاهری:

**\* ارزش دارایی‌های خارجی ۱۷,۷ میلیارد دلار افزایش یافت**  
**\* امسال بهترین فرصت برای ایجاد تحولات در نظام بانکی است**

۰۷/۰۳/۱۳۸۷

رئیس کل بانک مرکزی هرگونه اصلاح و تحول در نظام بانکی کشور را مستلزم یافتن پاسخ‌های مناسب و شفاف برای سه سوال اساسی در مورد مولفه‌های مختلف حوزه پولی و بانکی دانست.

به گزارش خبرنگار بانک و بیمه ایسنا طهماسب مظاهری صبح امروز در هجدهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی اظهار کرد: اولین سوال به نقش و مسوولیت نظام بانکی در قبال سپرده‌گذاران بر می‌گردد و امروز و بعد از گذشت حدود ۲۵ سال از زمان تدوین قانون بانکداری بدون ربا باید مشخص شود که اولویت سیاست‌های بانکی در کشور ما حذف امانت سپرده‌گذاران در بانک‌هاست و یا اولویت‌های دیگری مطرح است.

وی افزود: اگر پاسخ به این پرسش مثبت باشد نحوه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری از سوی مدیران اقتصادی نظام در مورد رفتار بانک‌ها تغییر خواهد کرد چرا که آنچه مسلم است وظیفه اصلی بانک‌ها در این صورت تنوع بخشی به راه‌های تامین درآمد سالم برای سپرده‌گذارانی است که قصد کسب درآمد از سپرده‌گذاری خود دارند.

رئیس کل بانک مرکزی اضافه کرد: اما در صورتی که جواب به این سوال اساسی این باشد که منابع موجود در جامعه باید در جهت اهداف تعیین شده از سوی دولت صرف شود سیاست‌های حوزه پولی تغییر می‌کند. البته مشخص است که

نظام بانکی باید هر دو هدف را دنبال کند ولی قطعاً باید در قبال حفظ ارزش سپرده‌های عمومی و تعیین اهداف دولت به یکی اولویت دهد.

مظاهری سوال دوم را این گونه مطرح کرد که آیا پول یک کلاست و یا یک ابزار مبادله؟ و ادامه داد: گرچه این سوال یک پرسش ابتدایی است ولی هنوز پاسخ روشنی به آن داده نشده و همین عدم شفافیت چالش‌های زیادی را در حوزه پولی کشور به وجود آورده است.

وی گفت: باید مشخص شود وقتی کسی پولی را قرض می‌دهد آیا فیزیک پول را قرض می‌دهد یا ارزش پول را و به عبارت دیگر آیا عقده‌ای که برقرار می‌شود عقد قرضی مثلی است یا قیمی؟ در صورتی که عقود قرضی قیمی باشند باید ارزش پول قرض داده شده بازگردانده شود نه مثل آن.

رئیس کل بانک مرکزی همچنین تعیین پاسخ روشن به رابطه بین نقدینگی و تورم را سوال سوم دانست که باید برای آن جواب روشنی یافت چرا که در حال حاضر پاسخ‌هایی از رابطه یک به یک تا نفی رابطه در این زمینه ارائه می‌شود.

وی افزود: پاسخ به این پرسش‌ها تا حدود زیاد به اصلاح و نظام مندی بیشتر سیستم بانکی کشور منجر خواهد شد، گرچه این اتفاق باید سال‌های پیش روی می‌داد چرا که در زمان تدوین بانک داری بدون ربا تصریح شد که عدم مغایرت این قانون با شرع و ارزش‌های فقهی و دینی مسجل است اما برای اینکه میزان هماهنگی و کارایی این قانون با فعالیت‌های بانکداری یک دوره آزمایشی پنج ساله در نظر گرفته شد ولی این پنج سال تا امروز به طول انجامید.

رئیس کل بانک مرکزی در بخشی دیگری از سخنان خود با اشاره به شرایط امروز اقتصاد کشور توضیح داد: به نظر می‌رسد امسال بهترین فرصت برای ایجاد تحولات لازم در این قانون و نظام بانکی کشور باشد.

**وی گفت: تراز پرداخت‌های خارجی کشور در سال گذشته مثبت بوده و صادرات غیر نفتی هم با ۲۶/۴ درصد افزایش به ۱۴/۳ میلیارد دلار مثبت رسیده است. همچنین تراز بازرگانی هم با احتساب نفت و گاز با رسیدن به ۷۳ میلیارد دلار حدود ۳۸/۵ میلیارد دلار مازاد داشته است.**

وی ادامه داد: ارزش دارایی‌های خارجی با احتساب حساب ذخیره ارزی ۱۷/۷ میلیارد دلار افزایش یافته است و حساب ذخیره ارزی هم ۳۸/۸ میلیارد دلار واریزی و ۲۸/۱۷ میلیارد دلار برداشت داشته است که بیشترین سهم را بخش صنعت و معدن با ۸۸ درصد و حمل و نقل با ۱۰ درصد داشته‌اند.

مظاهری با اشاره به کنترل رشد نقدینگی در اواخر سال گذشته نیز گفت: بانک مرکزی در نیمه دوم سال گذشته موفق شد علاوه بر مهار رشد نقدینگی ترکیب نقدینگی را هم اصلاح کند تا به این ترتیب از رشد پایه پولی از طریق تزریق پول پر قدرت جلوگیری به عمل آید و نقدینگی لازم به جامعه از طریق نهادهای مالی صورت گیرد.

وی تصریح کرد: پیشنهاد افزایش سرمایه بانک‌های دولتی در همین راستا صورت گرفت و بانک‌های خصوصی هم پیشنهاد افزایش سرمایه را دادند و بانک مرکزی هم با آن موافقت کرد و ضمن اینکه با اعلام نظارت بر موسسه‌های پولی و بانکی سرمایه اولیه آنها هم از حدود ۵۰ میلیون تومان به ۱۵۰ میلیارد تومان افزایش یافت که همگی این روش‌ها با هدف کنترل و هدایت نقدینگی صورت گرفت.

دنیای اقتصاد - چهارشنبه ۸ خرداد ۱۳۸۷

## تحلیل

### چرا پول‌ها به مسکن می‌آید؟

بیژن خزدوزی \*

در ارتباط با افزایش حجم نقدینگی در اقتصاد کشور و تناسب افزایش حجم نقدینگی و افزایش تولید (واردات) برای مقابله با تورم که جزو الفبای مفاهیم اقتصادی است، تاکنون به تفصیل و فراوان صحبت شده و به آن پرداخته شده است؛ اما آنچه که شایان توجه است آنکه پول به مانند یک جریان سیال رها شده در سرایشی است که مسیر خود را به سادگی در اولین مجاری سرایشی رها شده پیدا خواهد کرد؛ مگر آنکه در این مسیر با احداث مجاری دیگر به هدایت آن پرداخت تا به محل یا محل‌های مورد نظر برسد.

با دو برابر شدن حجم نقدینگی در دو سال گذشته این ضرورت هر چه بیشتر رخ می‌نماید که تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان اقتصادی کشور باید به فکر هدایت این وجوه باشند؛ اتفاقی که تاکنون پیش نیامده و هیچ افق مشخصی نیز برای آن هویدا نیست. مفاهیم و موضوعات اقتصادی به مثابه یک موجود زنده و در ارتباط تنگاتنگ با هم عمل می‌نمایند و توجه به هر یک باید همراه با تاثیر در دیگر بخش‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند.

در شرایط فعلی شخصی با حدود یک میلیارد تومان سرمایه و با ورود به بازار مسکن و با قیمت متوسط هر مترمربع مسکن یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌تواند حدود ۷۰۰ مترمربع ساختمان را خریداری کند و با فرض آنکه دوره متوسط نگهداری و فروش املاک دو ماه در نظر گرفته شود، می‌تواند حدود ۴ هزار و ۲۰۰ مترمربع ساختمان را در طول یک دوره مالی (یکسال) خرید و فروش نماید.

برای خرید ۴۲۰۰ مترمربع ساختمان مذکور با همان سرمایه اولیه و با متوسط مترمربع یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اشاره شده، گردش مالی بالغ بر شصت و سه میلیارد ریال حاصل می‌شود و چنانچه شخص وارد شده به بخش مسکن بسیار منصف باشد و تنها حدود ۱۶/۶۷ درصد سود از معاملات خود دریافت نماید، سود کسب شده وی معادل مبلغ سرمایه‌گذاری اولیه‌اش خواهد شد؛ یعنی ۱۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال.

اما نکته مهم در بحث مالیاتی موضوع آن است که با توجه به قوانین موجود مبنای احتساب مالیات نقل و انتقال املاک بر اساس ارزش معاملاتی که حدود یک پنجاهم ارزش روز املاک است محاسبه و اخذ می‌شود، حداکثر مالیات پرداختی از سوی شخص مذکور حدود ۶۳ میلیون ریال خواهد بود. (اگر نسبت به سود کسب شده سنجش کمتر از یک درصد خواهد شد).

حال فرض کنید شخصی در بخش تولید به فعالیت اقتصادی پرداخته باشد و همین مبلغ سود را نیز کسب کرده باشد (جدا از آنکه تصور این نکته بسیار ساده است که کسب یک میلیارد تومان سود در بخش تولید نیازمند سرمایه‌گذاری چندین برابر مبلغ مورد نیاز و محتاج مدیریت گسترده تحمل ریسک بالا و ... نسبت به کسب‌وکار در بخش مسکن می‌باشد) از سود مذکور با نرخ‌های موجود مالیاتی ۲۵ درصد که ۲ میلیارد و ۶۲۵ میلیون ریال خواهد شد مالیات مطالبه می‌شود.

بنابراین و به زعم نگارنده این سطور در سیستم اقتصادی موجود در کشور ما، اشخاصی که به سرمایه‌گذاری در بخش تولید اقدام می‌کنند، جریمه سنگینی شده و به این وسیله وادار به فعالیت در دیگر بخش‌های اقتصادی می‌شوند که مشمول چنین جرایمی نشوند!

راه حل ارائه شده در روزهای اخیر از سوی دولت اخذ مالیات ۳۵ درصدی از خرید و فروش املاک بوده است. در این رابطه باید به نکات و موارد زیر توجه کافی داشت:

۱ - هدف اولیه قانون‌گذار از اخذ مالیات نقل و انتقال املاک به نرخ ۵ درصد ارزش معاملاتی جلوگیری از افزایش قیمت املاک ناشی از اخذ مالیات بوده است که با طرح فوق مطالبه مالیات خود یکی از عوامل گرانی املاک به‌طور عام خواهد بود.

۲ - چون محدودیتی در اخذ مالیات نقل و انتقال وجود ندارد و به‌تعداد دفعات خرید و فروش، مالیات نقل و انتقال نیز مطالبه می‌شود و با فرض آنکه ارزش افزوده و سود ایجاد شده در بار اول پانصد میلیون ریال باشد، مالیات آن یکصد و هفتاد و پنج میلیون ریال خواهد بود. چنانچه این ساختمان دوبر در سال مورد خرید و فروش واقع شود، مالیات آن با سود یکسان، سیصد و پنجاه میلیون ریال است که به قیمت‌ها افزوده می‌شود.

۳ - در جریان واقعی خرید و فروش مسکن، عملاً فروشندگان مخارج نقل و انتقال و از جمله مالیات را به‌عهده خریدار موقوف می‌نمایند و در شرایطی که خریدار شخصی باشد که برای اولین بار اقدام به خرید مسکن می‌نماید، عملاً پرداخت‌کننده مالیات بوده و فشار به وی منتقل خواهد شد.

۴ - فشار نهایی ناشی از اخذ مالیات از سود ایجاد شده از خرید و فروش مسکن در نهایت به‌خریدار تحمیل می‌شود؛ زیرا تبعات درج قیمت واقعی در اسناد مالکیت موجب افزایش هزینه‌های دفترخانه و ثبتی و اخذ عوارض شهرداری نیز می‌شود.

بنابراین و باتوجه به موارد فوق، به‌جای آنکه به موارد برخورد با مفاهیم اقتصادی که به صورت غیرکارشناسی شده و بعضاً دستوری تلاش در جهت رفع مشکلات شود که نتیجه عکس داده‌اند، بهتر است با بررسی همه‌جانبه موارد و تشویق سرمایه‌گذاری در دیگر بخش‌ها و تعدیل مالیات در بخش‌های مولد اقتصادی (درحال حاضر نرخ مالیات اشخاصی حقوقی در بخش خدمات، بازرگانی و تولید به‌صورت یکسان و ۲۵ درصد می‌باشد) به‌صورت اساسی به ارائه راه‌حل اقدام کرد.

\* عضو هیات علمی دانشگاه و کارشناس مسائل مالی و اقتصادی

## با حضور رییس‌جمهور نهایی شد کنترل معاملات مسکن با سه ابزار مالیاتی

مالیات ترکیبی بر معاملات مسکن، از ۲۵ آذر ماه، اجبار به درج قیمت واقعی در اوراق معاملات از ۱۵ مهر ماه و محاسبه مالیات بر نقل و انتقالات به قیمت روز.

پایان گمانه‌زنی‌ها از چپستی برنامه جدید دولت سه ابزار مالیاتی از نیمه دوم سال معاملات مسکن را کنترل می‌کند مالیات ترکیبی بر معاملات مسکن، از ۲۵ آذر ماه اجبار به درج قیمت واقعی در اوراق معاملات از ۱۵ مهر ماه محاسبه مالیات بر نقل و انتقالات به قیمت روز.

فرید قدیری

شورای عالی مسکن دوشنبه شب در جلسه‌ای که گفته می‌شود رییس‌جمهوری نیز در آن حضور داشته، نسخه سوداگران بازار مسکن را پیچید و بدین ترتیب بورس بازی و احتکار ملک مطابق روشی که سال‌ها است در برخی کشورها اجرا می‌شود، از بازار مسکن حذف خواهد شد. سوداگران بازار زمین و مسکن گروهی هستند که با خرید و فروش پی‌درپی و در فواصل کوتاه یا خرید ملک و نگهداری آن به صورت خالی از سکنه به امید افزایش قیمت، سودهای سرشاری از این راه کسب می‌کنند. این گروه با فعالیت‌هایش روند طبیعی بازار برای متقاضیان واقعی مسکن را مخدوش می‌کند و باعث التهاب در قیمت‌ها می‌شوند.

شورای عالی مسکن با توجه به همین واقعیت و به دنبال جلسات و بررسی‌های پی‌درپی طی چند ماه گذشته سرانجام دوشنبه شب اجرائی سه پروژه مالیاتی را از نیمه دوم برای معاملات مسکن تصویب کرد. مالیات بر معاملات مکرر و بر افزایش قیمت ملک، ثبت قیمت واقعی در اوراق معاملات توسط بنگاه‌های املاک و همچنین محاسبه مالیات نقل و انتقال به قیمت روز محور جزئیات بسته شورای عالی مسکن (به نیابت از دولت) برای ساماندهی بازار مسکن است.

به گزارش دنیای اقتصاد غانله حدس و گمانه‌زنی درباره برنامه جدید دولت سرانجام با انتشار بخش کوچکی از آنچه دوشنبه شب در جلسه شورای عالی مسکن به تصویب رسید، ختم شد.

شورای عالی مسکن که مصوبات آن حکم تصمیم‌گیری‌های هیات دولت را دارد، دوشنبه شب در جلسه‌ای با حضور رییس‌جمهور مالیات بر معاملات مسکن را برای اجرا از آذر ماه تصویب کرد. مردم، فعالان بازار مسکن و به خصوص گروه پرنفوذ سوداگر در این بازار ماه‌ها است که در انتظار انتشار این خبر به سر می‌برند.

این انتظار طی چند هفته گذشته که قول اعلام سیاست‌های جدید بارها و بارها داده شد، تشدید نیز شده است. گزارش خبرگزاری فارس از جزئیات جلسه دوشنبه شب شورای عالی مسکن حاکی است: از ابتدای آذر ماه سال جاری خرید و فروش مسکن طی سه مرحله و بیشتر شغل محسوب شده و از این افراد مالیات گرفته می‌شود.

اعضای ۱۳ نفره شورای عالی مسکن در جلسه دوشنبه شب این شورا مصوب کرد: خرید و فروش مسکن در سه مرحله و بیشتر به عنوان شغل محسوب و از افراد حقیقی و حقوقی مربوط مالیات اخذ شود.

بنابراین گزارش، افرادی که از تاریخ اول آذر ماه امسال در سه مرحله و بیشتر اقدام به خرید و فروش مسکن نمایند، این فعالیت به عنوان شغل برای آنها محسوب شده و فرد حقیقی یا حقوقی موظف به پرداخت مالیات است.

در این جلسه مصوب شد: اشخاص حقیقی که اقدام به خرید و فروش مسکن کنند ۲۵ تا ۳۰ درصد و اشخاص حقوقی نیز ۲۵ درصد از مابه‌التفاوت خرید و فروش مسکن را به عنوان مالیات پرداخت کنند.

همچنین در جلسه شورای عالی مسکن مصوب شد اوراق قولنامه مسکن از تاریخ ۱۵ مهرماه امسال به صورت رسمی تنظیم شده و قیمت واقعی مسکن در آن قید شود.

در ادامه مقرر شد: برای ثبت سند از اوراق قولنامه‌ای که توسط بنگاه‌های معاملات ملکی تنظیم شده؛ استفاده گردد. براین اساس با درج قیمت واقعی در قولنامه و انتقال آن به سند، مالیات نقل و انتقال باید به روز و با قیمت واقعی پرداخت شود.

به گزارش دنیای اقتصاد، شورای عالی مسکن اجرائی طرح اخذ مالیات را به نیمه دوم سال موکول کرده تا با اجرائی آن با تاخیر زمانی، فرصتی برای تقاضاهای سوداگران ایجاد شود تا املاک خود را بدون وجود بار مالیاتی در بازار عرضه کنند.

تحلیل گروه مسکن دنیای اقتصاد از تدابیر مالیاتی دولت برای بازار مسکن این است که در آن از هر دو نوع مالیاتی که در سایر کشورها برای معاملات مسکن کاربرد دارد، استفاده شده است. به عبارت دیگر قرار است از آذرماه امسال دو نوع مالیات بر معاملات مکرر و مالیات بر افزایش ارزش زمین و مسکن (CGT) به اجرا دربیاید.

وضع ترکیبی این مالیات‌ها باعث می‌شود همه راه‌ها برای کسب سودهای یک‌شبه و مخرب در حوزه مسکن مسدود شود.

جالب آنکه در بسته مالیاتی دولت از انجام معاملات قولنامه‌ای که راهی برای فرار از مالیات است، جلوگیری شده است.

با توجه به اینکه ملک اول هر فرد معاف از پرداخت این مالیات است، لذا مالیات تنها تقاضای سوداگران را هدف قرار داده است و هزینه این نوع تقاضا را در بازار افزایش می‌دهد.

طرح مالیات بر معاملات مسکن سال‌ها است در برخی از کشورها اجرا می‌شود. در فرانسه معادل ۱۶ درصد قیمت ملک، در آمریکا بر اساس قیمت پایه ملک، در کره جنوبی معادل ۶۰ درصد و در اسپانیا معادل ۳۵ درصد ارزش واقعی ملک از افراد در هنگام فروش ملک مالیات اخذ می‌شود.

دنیای اقتصاد روز گذشته تلاش زیادی کرد تا درباره مصوبه شورای عالی مسکن از وزارتخانه مرتبط با این حوزه اطلاعاتی کسب کند که متأسفانه با سکوت مطلق دوستان وزارت مسکن روبه‌رو شد.

۱۳۸۷/۰۳/۰۸

### در گفتگو با مهر ابراز شد: اخذ مالیات سنگین از معاملات مکرر مسکن از نگاه کارشناسان

در حالی که برخی از کارشناسان بخش مسکن اجرای مصوبه اخیر شورای عالی مسکن در رابطه با اخذ مالیات ۲۰ تا ۳۰ درصدی از اشخاصی که در سه مرحله اقدام به خرید و فروش مسکن می‌کنند را دارای تأثیرات منفی بر بازار مسکن دانستند برخی دیگر از تأثیرات مثبت آن بر این بازار گفتند.

به گزارش خبرنگار مهر، مصوبه اخیر شورای عالی مسکن در رابطه با اخذ مالیات ۲۰ تا ۳۰ درصدی از اشخاص حقیقی و حقوقی که خرید و فروش مسکن را در سه مرحله انجام دهند، از سوی برخی از کارشناسان مسکن مورد بررسی قرار گرفت.

رئیس انجمن انبوه سازان مسکن و ساختمان کشور در خصوص مصوبه اخیر شورای عالی مسکن بیان کرد: تولیدکنندگان مسکن در تمام نقاط دنیا معاف از پرداخت عوارض و مالیات هستند و این ابزار تشویقی برای تولید منجر به ایجاد تعادل در بازار مسکن می‌شود، این در حالی است که در سالهای اخیر سود حاصل از تولید مسکن در کشور نصیب دلالان شده است.

مجتبی بیگدلی افزود: مصوبه اخیر شورای عالی مسکن مسیر مالیات را از سوی تولیدکنندگان مسکن به سمت سوداگران این بخش هدایت می‌کند و این امر تبعات مثبتی بر بازار مسکن برجای خواهد گذاشت؛ زیرا خرید و فروش مسکن در سه مرحله برای آنان سودآور نخواهد بود.

علیرضا سرحدی یکی از کارشناسان مسکن با اشاره به افزایش قیمت مسکن به دنبال اجرای مصوبه مذکور اظهارداشت: پرداخت هزینه حتی به عنوان مالیات از سوی تولیدکنندگان مسکن سبب افزایش قیمت مسکن برای خریداران و مصرف کنندگان می‌شود و اجرای این مصوبه تأثیر مستقیم بر بازار خرید و فروش مسکن نخواهد داشت. کارشناس مسکن افزود: اخذ مالیات از سوداگران بخش مسکن در نهایت بر روی قیمت مسکن تأثیر منفی بر جای می‌گذارد و مشکلات این بخش را دوچندان می‌کند.

احمد رضا عاملی از دیگر کارشناسان بخش مسکن درمورد مصوبه شورای عالی مسکن اظهار داشت: آنچه مسلم است شورای عالی مسکن با این مصوبه سعی در تحقق تثبیت قیمت‌ها در بازار مسکن و کند شدن روند افزایشی آن را دارد؛ اما اتخاذ سیاست‌های ناگهانی با عوارض جانبی برای بخش مسکن همراه خواهد بود.

وی تصریح کرد: اجرای این مصوبه گرچه ممکن است به تثبیت قیمت‌ها منتهی شود؛ اما به طور حتم سمت و سویی مغایر با این هدف نیز در آن نهفته است که می‌تواند تأثیرات منفی بر این بازار داشته باشد.

**رییس کل بانک مرکزی:**  
**\* طرح کم‌دقت ادغام بانک‌ها به مرحله اجرا نمی‌رسد**  
**\* بانک‌ها دیگر بازخرید قبل از سررسید اوراق مشارکت را تضمین نمی‌کنند**

۰۸/۰۳/۱۳۸۷

رییس کل بانک مرکزی تاکید کرد: هر نوع تغییر، ادغام، تفکیک و تغییر، انحلال، فعالیت، افزایش سرمایه در هر بانکی اعم از دولتی و خصوصی منوط و موکول و مشروط به تایید بانک مرکزی است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) طهماسب مظاهری در حاشیه نشست هیات دولت افزود: همه مردم مطمئن باشند که هر کاری بخواهد انجام شود حتما پخته، سنجیده و با نظرخواهی از صاحب نظران در سطح دولت و مملکت انجام می‌شود هم چنین روال قانونی آن طی می‌شود.

**\* آخرین دیدگاه‌ها درباره انتشار اوراق مشارکت**

مظاهری درباره انتشار اوراق مشارکت و سرنوشت آنها نیز گفت: اوراق مشارکتی به آن معنا که چاپ می‌شود یعنی پولی را از مردم گرفته‌اند و تعهد بازپرداخت آن را در قالب اوراق مشارکت داده‌اند وزارتخانه‌ها هر پولی که می‌خواهند از مردم بگیرند بایستی در قالب قانون‌شان و قانون بودجه باشد. لذا وزارتخانه‌ها مجازند براساس سقف و مجوزی که قانون بودجه امسال داده است به انتشار اوراق مشارکت مبادرت ورزند.

رییس کل بانک مرکزی تصریح کرد: در واقع در سقفی که هر قانون بودجه پیش بینی شده وزارتخانه‌ها از جمله وزارت اقتصاد می‌توانند اوراق مشارکت چاپ کنند.

مظاهری گفت: نکته ظریف آن این است که ضابطه چاپ اوراق مشارکتی که امسال خواهیم داشت، نسبت به سال گذشته این تفاوت دارد که بانک عامل تضمین بازخرید قبل از سررسیدش را انجام نمی‌دهد. اگر تضمین بازخرید قبل از سررسید بخواهد انجام شود یا خواهان ناشر این کار را باید انجام دهد و یا اینکه خریداران با هماهنگی که بورس انجام شده اگر قبل از سررسید بخواهند اوراق مشارکت خود را بفروشند باید در بورس از طریق یک خریدار منتقل شود.

او عنوان کرد: مکانیزم و ساز و کار آن هم با بورس و وزارت اقتصاد هماهنگ شده و امید است که بتواند عملیاتی شود و این تفاوت اصلی است.

وی در خصوص میزان استقبال از این مساله اظهار کرد: اینکه این مساله چه تاثیری در استقبال مردم می‌گذارد، مستقل از این یک کار اصلاحی است که منابع سیستم بانکی برای پرداخت اعتبارات دولتی یا یک نوع کسری بودجه مصرف نشود چرا که به آن شکلی که قبلا بود عملا بخشی از منابع بانک مصرف این نیاز دولت می‌شد.

مظاهری گفت: لذا امسال بنا داریم که در کنار این که بانک‌ها را موظف می‌کنیم در حد منابع خودشان تعهداتی انجام دهند منابع بانک‌ها را هم در برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و حفظ اشتغال موجود هدایت می‌کنیم.

وی تاکید کرد: منابع سیستماتیکی امسال در اولویت اول برای حفظ اشتغال موجود، فعال ماندن و فعال تر شدن صنایع و واحدهای تولیدی و در درجه دوم برای ایجاد واحدهای جدید مصرف می‌شود. لذا این کار دو خاصیت دارد یکی این که منابع سیستم بانکی به اندازه اوراق مشارکت دیگر به مصارف بودجه‌ای دولت نمی‌رود دوم این که با این کار حداقل هزینه فرصت برای سرمایه‌گذاران که در قالب اوراق مشارکت تعریف می‌شد تغییر می‌کند و تشویق مردم و سرمایه‌گذاری را در بورس یا سیستم بانکی را بیشتر می‌کند.

\* اسکناس ۱۰ هزاری می‌آید

وی همچنین درباره زمان انتشار اسکناس ۱۰ هزار تومانی گفت: انتشار اسکناس‌های ۱۰ هزار تومانی هنوز نهایی نشده و همچنان در حال فعالیت برای انتشار آنها هستیم که پس از نهایی شدن به اطلاع خواهد رسید.

\* طرح کم دقت به مرحله اجرا نمی‌رسد

او در واکنش به این سوال که علت مخالفت شدید شما با طرح ادغام بانک‌ها و ایجاد بانک‌های قرض الحسنه چه بوده است؟ گفت: به این شدتی که شما می‌گویید نبوده البته معتقدم بیان این موضوع باین شدت قطعاً موجب اختلاف می‌شود لذا بهتر است سوالات را کارشناسی بپرسید.

مظاهری ادامه داد: بهتر است جواب این گونه باشد که طرحی که به عنوان پیش نویس از سوی چند کارشناس نوشته شده طرح کم دقتی بوده که هم از سوی وزارت اقتصاد و هم از سوی ما تکذیب شد و هر دو آن را غیر واقعی دانستیم بنابراین عکس‌العمل وزارت اقتصاد و بانک مرکزی هم جهت بوده و معنای آن این است که متن ارائه شده دقیق و حساب شده نبوده است. چرا که هر دو عبارت جعلی را به کار بردید از این جهت که این طرح مصوبه دولت نبوده است اما یک طرح کارشناسی کم تجربه از سوی چند کارشناس که آشنایی با مبنای بانکی نداشته‌اند بوده است.

وی تصریح کرد: چاپ این موضوعات در رسانه‌ها برای برخی نگرانی‌هایی را ایجاد کرد از سویی یقیناً مدیریت اقتصادی کشور به این نقطه رسیده که این طرح کم دقت به مرحله اجرا نمی‌رسد و اگر هم قرار است طرحی ایجاد شود قطعاً هم وزارت اقتصاد در خصوص آن کار مطالعاتی انجام خواهند داد و در مرحله بعدی نیز هر نوع تغییراتی مشروط به تایید بانک مرکزی خواهد بود.

## با وجود تاکید دولت بر واردات گسترده برنج از مرزهای شرقی؛

### گرانی برنج ادامه دارد!

آفتاب: یک عضو کمیسیون کشاورزی اعلام کرد وزارت کشاورزی گزارشی در خصوص زمین‌های برنجی که به دلیل خشکسالی هنوز زیر کشت نرفته را به مجلس ارائه نکرده است.

محمد علی حیدری شلمانی در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی آفتاب، افزود: «برای اینکه سال آینده لطمه‌ای به میزان محصول برنج داخلی وارد نشود کشاورزان باید از طریق حفر چاه و پمپ آب به مزارع خود با خشکسالی مقابله کنند».

این نماینده مجلس هفته گذشته از به زیر کشت نرفتن ۳۰ درصد از زمین‌های شمال در کمتر از ۵ روز به پایان فصل کشت به دلیل خشکسالی خبر داده بود.

حیدری همچنین تاکید کرده بود که نمایندگان در انتظار گزارش وزارت کشاورزی از میزان زمین‌های زیر کشت امسال هستند تا در صورت تایید کاهش شدید زمین‌های زیر کشت اقدامات سریعی برای آبیاری مزارع صورت گیرد.

این نماینده

”موسوی لاری وزیر کشور دولت خاتمی از استفاده بی‌رویه از پول نفت برای واردات محصولاتی چون برنج انتقاد کرده است. ...“

همچنین با اشاره به افزایش واردات برنج به دلیل کاهش احتمالی محصول سال جاری گفت: «برنج‌های خارجی به دلیل کیفیت پایین‌تر نسبت به برنج داخلی نمی‌توانند جایگزین مصرف داخلی شوند».

وی در پاسخ به این سوال که اگر دانقه مردم مانند چای به برنج هندی و پاکستانی نیز عادت کند آیا تولید داخلی به خطر نخواهد افتاد؟ گفت: «مردم خود متوجه شده‌اند که چای مورد استفاده خارجی آنها تا چه اندازه از نظر رعایت

بهداشت و استفاده از سموم ناسالم است. بنابراین احتمال تغییر ذائقه حتی با وجود افزایش قیمت، منتفی به نظر می‌رسد».

حیدری همچنین زمان ماندگاری برنج در انبارها را ۲ دو سال دانست و افزود: «در صورتی که برج‌های وارداتی بیش از دو سال در انبار بمانند کیفیت اولیه خود را از دست داده و بعد از مدتی غیر قابل استفاده خواهند شد».

اخیرا دولت با اتخاذ سیاست‌هایی واردات برنج را تسهیل کرده است. برخی از کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که با وجود گرانی قابل توجه برنج ایرانی و واردات برنج‌های هندی آینده این محصول سنتی به خطر خواهد افتاد.

در این زمینه موسوی لاری وزیر کشور دولت خاتمی از استفاده بی‌رویه از پول نفت برای واردات محصولاتی چون برنج انتقاد کرده است.

وی با انتقاد از وضعیت اقتصادی کشور یادآور شده است: در دولت اصلاحات از نظر میزان تولید گندم به خودکفایی رسیدیم اما در سال جاری دولت برای تامین گندم مورد نیاز باید دو تن گندم وارد کند.

وزیر اسبق کشور تاکید کرده است: «پول نفت نباید صرف واردات مواد جزئی چون مواد غذایی، برنج، انگور و سیب زمینی شود».

اما اسکندر وزیر جهاد کشاورزی دولت با کاذب خواندن قیمت برنج نهم می‌گوید: «کار خرید و توزیع برنج در کشور بر عهده بخش خصوصی است و این امر در کنار بسیاری موارد دیگر باعث افزایش ناگهانی قیمت برنج در کشور شده است».

در همین حال یک توزیع کننده برنج در پاسخ به اینکه آیا قیمت برنج چگونه که برخی مسئولان اعلام کرده‌اند ارزان شده است به خبرنگار اقتصادی آفتاب گفت: متأسفانه باید گفت که قیمت برنج با کیفیت ایرانی همچنان گران است.

وی افزود: «با افزایش واردات تنها قیمت برنج‌های خارجی که برخی از آنها کیفیت مناسبی نیز ندارند اندکی ارزان شد».

او تاکید می‌کند: «اکنون تمامی برنج‌هایی که در بازار عرضه می‌شوند مربوط به واردات سال گذشته است. بنابراین باید گفت که برنج سال گذشته با قیمت چند برابر به فروش می‌رسد و این به معنای وجود ارزانی در بازار نیست».

به اعتقاد این توزیع کننده با شتابی که بازار به سمت گرانی گرفته است در صورت کاهش محصولات داخلی بر اثر خشکسالی باید انتظار افزایش بیشتر و روز به روز قیمت برنج با کیفیت ایرانی را نیز داشت.

سرمایه - روز پنجشنبه نهم خرداد ماه سال ۱۳۸۷

## نان، برنج، لبنیات، ماکارونی، پودر شوینده و ... گرانی سر سفره مردم

کارشناسان اقتصادی در کشورهای مختلف جهان دولت‌ها را به ایجاد فضای کسب و کار مناسب، متناسب کردن شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله حجم پول، نرخ سود بانکی، نقدینگی، تورم، تسهیلات بانکی، افزایش پس‌انداز ملی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی توصیه می‌کنند تا از طریق ایجاد شرایط مناسب در بازار کسب و کار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، مصرف، تقاضا، تولید و اشتغال افزایش یابد و زمینه ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای بازار کالاهای مصرفی، بادوام و سرمایه‌ای فراهم شود و دولت از هرگونه دخالت در اقتصاد، قیمت‌گذاری نامناسب، شرکت‌داری و بانکداری و تجارت پرهیز کند.



اما به عقیده برخی کارشناسان اقتصادی ایران، دولت ها در طول سه دهه گذشته با دخالت پرنوسان، قیمت گذاری ها و تصمیم گیری های مختلف زمینه را برای متناسب کردن شاخص های اقتصاد کلان و محیط مناسب کسب و کار فراهم نکرده اند و به خصوص از طریق سیاست های دستوری در سه سال گذشته بر حجم بودجه دولت، وابستگی به نفت و در نتیجه واردات کالاهای خارجی بیشتر، رشد نقدینگی، پایه پولی و تورم، برداشت از حساب ذخیره ارزی افزوده شد و از طریق تعیین دستوری نرخ سود بانکی، کاهش سهم عقود مبادله ای در تسهیلات بانکی و فشار بر بانک ها برای پرداخت تسهیلات به طرح های زودبازده و ... زمینه افزایش سطح زندگی و خط فقر به ۶۰۰ تا ۷۸۰ هزار تومان در شهرهای مختلف فراهم شده و تعداد بیشتری از افراد و حقوق بگیران احساس فقر می کنند و اجاره مسکن، قیمت ملک و زمین و مسکن به شدت افزایش یافته و سرمایه گذاری ها به جای تولید، ورود به بورس و صنعت به سمت زمین و مسکن گرایش یافته است. این وضعیت اخیراً با از حوزه کلان و بخش مسکن فراتر گذاشته و به بازار کالاهای موجود در سبد خانوار رسیده و از چند ماه گذشته عدم تعادل به بازار پودر شوینده و برنج نیز سرایت کرده است. به عقیده کارشناسان دولت برای رفع آن باید تصمیم گیری و سیاست گذاری ها را سامان بدهد و با ایجاد محیط مناسب کسب و کار و پرهیز از سیاست های دستوری و قیمت گذاری نامناسب زمینه ایجاد تعادل در بازار و هدایت آن را با تدبیر خود در دست بگیرد.

برخی کارشناسان معتقدند تشدید مشکلات اقتصادی کشور طی ماه های اخیر عاملی برای انحراف دولت از وظیفه اصلی خود یعنی نظارت و سیاستگذاری کلان در کشور بوده و وقت مسوولان را بیشتر به حل مشکلات خرد کشور و تلاش برای حفظ و تنظیم سبد خانوار معطوف کرده است. به این ترتیب تعریف و وظایف دولت تغییر کرده و رفع موانع موجود در بازار محصولاتمانند برنج، گوجه فرنگی، پودر شوینده، مرغ و تخم مرغ به یکی از اصلی ترین وظایف و دغدغه های دولتمردان تبدیل شده است. این در حالی است که طی یکی دو سال گذشته ناتوانی دولت در اجرای طرح های بزرگ اقتصادی از جمله کنترل تورم و نقدینگی، افزایش حساب ذخیره و کاهش وابستگی به نفت، جذب سرمایه گذاری خارجی واقعی تشدید شده و این مساله نیز تاثیراتی را بر تامین نیاز کشور به کالاهای مختلف و در نتیجه افزایش حجم واردات در پی رشد نقدینگی به همراه داشته است. در چنین وضعیتی در کنار بحث توقف تولید گوشتی تلفن همراه و پارچه چادر مشکی که همواره به عنوان یکی از مهم ترین سیاست های صنعتی و ارزشی دولت نهم مطرح بوده موضوع تغییر ناگهانی تعرفه واردات برنج و در پی آن دو برابر شدن قیمت این محصول در داخل و همچنین رشد بهای مرغ، تخم مرغ و پودر شوینده چالش هایی را برای سبد کالای خانوار ایجاد کرده است.

در پی آزادسازی قیمت پودر شوینده و حذف یارانه این محصول به منظور جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی برخی واحدهای تولیدی، شرکت های پخش و عوامل خرده و عمده فروشی، با هماهنگی تشکل های صنعت پودر و وزارت بازرگانی با در نظر گرفتن حداقل قیمت تمام شده نرخ انواع پودر شوینده دستی ۵۰۰ و انواع ماشینی ۷۰۰ تومان تعیین شد. تا پیش از این قیمت این پودرها ۲۵۰ و ۳۵۰ تومان بود.

حسین راغفر عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا در این مورد در گفت و گو با «سرمایه» می گوید: «عملکرد دولت طی سال های اخیر نشان می دهد شعارهای عدالت محوری مسوولان تنها پوششی برای انجام اقدامات ضدعدالت بوده و اعمال سیاست های اقتصادی نامناسب باعث شده تا خانوارهایی که از نظر اقتصادی در نزدیکی خط فقر بوده اند وارد محدوده خط فقر شوند.»

وی با اشاره به مطرح شدن بحث آزادسازی قیمت پودر شوینده طی روزهای اخیر اظهار می کند: «پودر شوینده کالایی است که همه خانوارهای جامعه به ویژه طبقات پایین به عنوان یک کالای اساسی به آن نیاز دارند در واقع یک محصول اصلی برای یک زندگی متعارف محسوب می شود.»

وی با اشاره به شعارهای دولت مبنی بر کنترل تورم و افزایش سطح رفاه خانوار تاکید می کند: «اقدامات دولت بیشتر در جهت تقویت دلال گری و ضد تولید بوده و به جای پرداختن به مسایل اساسی مانند اشتغالزایی و رفع فقر و نابرابری اجتماعی، بیشتر به اقدامات جزئی مانند رفع مشکلات مربوط به توزیع تخم مرغ، گوجه فرنگی و گوشت توجه شده است.»

راغفر تاکید کرد: «با توجه به اتفاقات صورت گرفته باید منتظر تبعات منفی و جدی تری بود و انتظار می رود سیاست های دولت آثار تورمی جدی بر رفاه خانوار به ویژه کاهش سطح رفاه طبقات پایین و متوسط جامعه داشته باشد.» به گفته این کارشناس افزایش دو برابری نرخ پودر شوینده تاثیرات منفی بر قیمت سایر کالاها خواهد داشت و در حالی افزایش قیمت ها را شاهد هستیم که حقوق و دستمزد کارکنان رسمی دولت رشدی نداشته است.»

وی می افزاید: «دولت می توانست درآمد ناشی از افزایش قیمت نفت را صرف سرمایه گذاری در حوزه های گسترده کند و به این ترتیب زمینه مشارکت بخش خصوصی را فراهم کرد تا از فرار سرمایه ها نیز جلوگیری شود.»

کمبود پودر شوینده در بازار تصنعی است

ایجاد اختلال در بازار پودر شوینده و کمبود این محصول در پی آزادسازی قیمت آن از جمله مواردی است که طی روزهای اخیر مصرف کنندگان را با مشکلاتی روبه رو کرد و در این میان دستگاه های نظارتی نتوانستند وظیفه خود را به خوبی ایفا کنند. با حذف یارانه پودر شوینده بازار با کمبود عرضه این کالا روبه رو شد و همین مساله در برخی نقاط کشور باعث افزایش قیمت پودر شوینده شد که این قیمت گاهی تا هزار تومان نیز رسید. دلیل اصلی این اتفاق

توقع بیش از حد عوامل توزیع مینی بر رشد قیمت ها در روزهای پس از آزادسازی قیمت پودر بود که به همین منظور از عرضه این محصول خودداری کردند تا قیمت های جدید مشخص شود و به این ترتیب به سود بیشتری دست یابند. حسن کبیری، عضو شورای تولیدکنندگان پودر شوینده در این خصوص به خبرنگار «سرمایه» می گوید: «کمبود پودر شوینده در بازار یک کمبود تصنعی است و دلیل اصلی آن وجود برخی مشکلات در شبکه توزیع است.» وی با بیان اینکه «تولیدکنندگان برای تولید مناسب و مطابق با نیاز کشور به دولت تعهد داده اند»، اظهار داشت: «تولید طی دوماه اول امسال تقریباً برابر با میزان تولید در مدت مشابه سال قبل بوده است.» به گفته وی قیمت های جدید پودر شوینده یعنی نرخ ۵۰۰ تومانی برای پودر دستی و ۷۰۰ تومان برای پودر ماشینی از ابتدای خرداد روی محصولات تولیدی چاپ شده که این نرخ ها به سود مصرف کننده و تولیدکننده خواهد بود همان طور که بازار مایع ظرفشویی هم اکنون دارای تعادل است. بازار پودر شوینده نیز به زودی به تعادل خواهد رسید. کبیری معتقد است: «افزایش ناگهانی قیمت پودر شوینده طی روزهای اخیر ناشی از یک شوک اولیه بوده که با مطرح شدن آزادسازی قیمت ها به بازار وارد شد و برخی توزیع کنندگان، عرضه این محصول را متوقف کردند اما تولیدکنندگان از فروش کالای خود ممانعت نکردند و فقط روز دوشنبه عرضه ای توسط تولیدکنندگان صورت گرفت تا وضعیت قیمت ها مشخص شود.» وی به احتکارکنندگان پودر شوینده توصیه کرده محصولات انبارشده خود را هرچه سریع تر در بازار عرضه کنند چرا که قیمت ها از میزان مشخص شده بالاتر نخواهد رفت و تاخیر در فروش اجناس تنها باعث خواب سرمایه و ضرر فروشندگان خواهد شد.

-  
توزیع پودر شوینده به اصناف مربوط نمی شود

اما قاسم نوده فراهانی رئیس مجمع امور صنفی توزیعی تهران، در مورد ممانعت برخی خرده فروشان از عرضه پودر شوینده و نظارت سازمان بازرسی و اصناف بر توزیع این واحدها معتقد است: «مسائل پودر شوینده، توزیع و قیمت گذاری آن مربوط به اصناف نمی شود زیرا آماري از میزان توزیع پودر شوینده و واحدهایی که پودر شوینده برای توزیع به آنها عرضه می شود به سازمان بازرسی و نظارت اصناف ارائه نشده است.» وی در گفت و گو با «سرمایه» تصریح کرد: «توزیع پودر شوینده نیز از طریق انجمن صنفی تولیدکنندگان پودر شوینده انجام می شود.»

معاونت هماهنگ کننده بازرسی و نظارت شورای اصناف کشور با اشاره به آنکه در بحران قبلی کمبود پودر شوینده، از انجمن صنفی تقاضای آمار شده بود، گفت: «اگر کمبودی احساس شده و نیاز به نظارت حس می شود باید آمار تولید، توزیع، چگونگی حمل و نقل همچنین آمار واحدهای پخش کننده در اختیار ما گذاشته شود تا بازرسان ما بتوانند کار نظارتی خود را انجام دهند.»

-  
بازار متعادل خواهد شد

یک منبع آگاه وزارت بازرگانی نیز در گفت و گو با «سرمایه» اعلام کرد: «تصمیم گیری دولت برای حذف یارانه تولید پودر شوینده و افزایش قیمت پودر باعث شد، شوک کوتاهی به بازار وارد شود بنابراین با گذشت از این مرحله قیمت ها به مرزهایی که اعلام شده است برمی گردد و بازار پودر شوینده متعادل می شود.» وی ادامه داد: «دیروز بازار مولوی و مراکز عرضه کننده عمده پودر شوینده مملو از پودر شوینده بود و طی چند روز آینده، قیمت ها متعادل خواهد شد.»

این منبع آگاه اضافه کرد: «حذف یارانه پودر شوینده باعث شد خلل کوتاهی در توزیع و عرضه پودر شوینده ایجاد شود چرا که روی بسته های پودر شوینده تولید شده، قیمت قدیمی درج شده بود و قرار شد تا میزان یارانه ای که به این پودرها تعلق می گرفت محاسبه شود تا دولت آن را نپردازد و تولیدکنندگان نیز آن را با قیمت جدید به بازار عرضه کنند.» او گفت: «بازرسی وزارت بازرگانی از کارخانجات پخش طی این چند روز افزایش یافت تا موجودی پودر شوینده مشخص شده و جلوی حیف و میل یارانه گرفته شود.» وی خاطرنشان کرد: «حذف یارانه پودر شوینده در حال حاضر تنها راه ممکن به نظر می رسد و شاید دولت خواهان استفاده از این یارانه در مسائل دیگر مانند مسائل بهداشتی مردم است.»

، ۱۳۸۷/۰۳/۰۸

### جبهه مشارکت: روزهای سختی در انتظار اقتصاد ایران است

امروز: جبهه مشارکت با انتشار بیانیه ای به مسائل کنونی اقتصاد کشور پرداخته است. در ادامتن کامل این بیانیه می آید:

از زمان روی کار آمدن دولت نهم تاکنون جنبه مشارکت به مناسبت های مختلف به ارانه تحلیل از وضعیت اقتصادی کشور و پیش بینی های خود نسبت به پیامدهای منفی سیاست های متخذه توسط این دولت پرداخته و هشدارهای لازم را داده است. متأسفانه عدم توجه به این هشدارها و دیگر نظرات و انتقاداتی که از سوی کارشناسان با تجربه کشور بیان می شد و نمونه بارز آن در قالب دو نامه سرگشاده جمعی از اقتصاددانان به رئیس جمهور بازتاب عمومی یافت باعث بوجود آمدن وضعیتی در شرایط حاضر شده است که صدای اعتراض همه و از جمله برخی مراجع تقلید و عالمان دینی و حتی چهره های شاخص همفکر و همراه با دولت را نسبت به مسئله گرانی و تورم و شکاف طبقاتی و فقر درآورده است و این در حالی رخ داده که رئیس دولت نهم بزرگترین رسالت دولتش را تحقق عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی اقشار محروم و متوسط و بردن در آمد نفت به سر سفره های مردم اعلام کرده است.

جنبه مشارکت ایران اسلامی در بیانیه ای که زمستان سال ۸۴ درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ انتشار داد، اعلام کرد: «علی رغم مشکلات ساختاری اقتصاد ایران و عقب ماندگی از قافله اقتصاد جهانی و وجود نرخ بیکاری و تورم نامطلوب، دولت نهم در حالی اداره قوه مجریه را از دولت خاتمی تحویل گرفت که روند شاخص های کلان اقتصاد کشور در سایه سیاست های دولت خاتمی و مجلس ششم روندی رو به بهبود را نشان می داد. در کنار ساخت زیربنای توسعه، دستیابی به نرخ رشد اقتصادی متوسط سالانه (۷۶-۸۴) درصد، نرخ تورم سالانه ۱۵/۵ درصد، افزایش کم سابقه ذخایر ارزی کشور تا ۳۵ میلیارد دلار، تمهید حساب ذخیره ارزی برای تبدیل ثروت نفت به سرمایه گذاری و تولید و تحویل ذخیره ای معادل ۱۰ میلیارد دلار به دولت نهم، با یادآوری اینکه قیمت نفت در زمان تحویل دولت به خاتمی در سال ۷۶ در حدود بشکه ای ۹ دلار بوده است و افزایش درآمد سرانه ایرانیان از ۱۸۰۰ دلار در سال ۱۳۷۶ به ۲۳۰۰ دلار در سال ۱۳۸۳، شواهدی مستند و غیر شعاری برای ارزیابی واقعیت ها است. در عین حال که به دلیل رویکردهای کلی دولت خاتمی در عرصه داخلی و خارجی و به دلیل تحولات پیرامونی ایران، کشور به لحاظ موقعیت بین المللی و منطقه ای در شرایط بسیار مناسبی قرار گرفته بود و در سایه همین شرایط و با تکیه بر تجربیات اجرایی سال های پس از پیروزی انقلاب و سه برنامه توسعه، نظام تصمیم گیری کشور در عالی ترین سطوح به تدوین و تصویب و ابلاغ «سند چشم انداز توسعه ۲۰ ساله» و «قانون برنامه چهارم توسعه» پرداخت. دولت جدید در اولین سال اجرایی برنامه چهارم و در حالی که شرایط بازار جهانی نفت درآمد بی سابقه در تاریخ اقتصادی کشور یعنی ۵۰ میلیارد دلار در سال ۸۴ را به ارمغان آورده است، عهده دار مسؤلیت اداره کشور شده است و همه اجزاء صغیر و کبیر حکومت نیز همراه و پشتیبان قوه مجریه هستند، اکنون باید دید که این لایحه چه نسبتی با سند چشم انداز توسعه و قانون برنامه چهارم از یک سو و از سوی دیگر با شعارهای «عدالت محوری»، «مبارزه با فقر و تبعیض» و بردن درآمد نفت بر سر سفره های مردم دارد. به علاوه از یاد نباید برد که ائتلاف اقتدارگرایان حاکم در همه سال های پس از دوم خرداد ۷۶ و در چالش با سیاست های اصلاح طلبان بر اولویت توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی و فرهنگی تأکید داشته اند و با داعیه آبادگری و حل مشکلات اقتصادی و رفع فقر و دغدغه معیشت مردم در مقام رد سیاست های گذشته بر می آمده اند.»

جنبه مشارکت در ارزیابی اولیه خود از لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ آورده بود: «به طور خلاصه نتیجه اجرای این بودجه برای کشور وابستگی بیشتر به درآمد نفت، واردات بی رویه و ضربه جبران ناپذیر به تولید از طریق تزیق ارز نفتی ارزان، گسترش بیکاری، رشد نقدینگی و بالا رفتن تورم، تزیق ریال نفتی و افزایش درآمد با آورده به ویژه برای صاحبان قدرت و ثروت و ته مانده ای برای اقشار کم درآمد و افزایش فاصله طبقاتی خواهد بود. قابل توجه است که سند چشم انداز توسعه و برنامه چهارم از اعتبار قانونی برخوردارند و تا زمانی که قانون برنامه با طی مسیر مشخص آن دستخوش تغییر و دگرگونی نشده است، دولت ملزم به رعایت آن در تدوین لایحه بودجه می باشد، اما با کمال تأسف ادامه بی توجهی به حاکمیت قانون در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به حوزه اقتصاد نیز سرایت کرده است و لایحه بودجه ۸۵ چه به لحاظ محتوایی و چه به لحاظ کمی در عدم انطباق کامل با قانون برنامه چهارم تدوین و به مجلس پیشنهاد شده است. این لایحه از سوی دیگر در شرایط خطیر منطقه ای و بین المللی به گونه ای تنظیم شده است که آسیب پذیری کل اقتصاد در مقابل شوک های نفتی و صادرات نفت را بالا برده است...»

جنبه مشارکت ایران اسلامی بار دیگر طی بیانیه ای در ارزیابی خود از عملکرد اقتصادی دولت نهم و مجلس هفتم در زمستان سال ۸۵ و در ارتباط با لایحه بودجه سال ۸۶ اعلام کرد: «ما به جد هشدار می دهیم که وضعیت اقتصاد ایران و بودجه عمومی دولت در مسیر بحرانی قرار گرفته است و در صورت ادامه این روند باید منظر حوادث غیرقابل پیش بینی و خسارت بار بود. امواج سیل فزاینده نقدینگی بر سر اقتصاد ایران که طی دو سال ۸۴ و ۸۵ دو برابر شده است، بیشترین فشارهای اقتصادی (گرانی و تورم و بیکاری) و خرابی را بر سر اقشار فقیر و متوسط جامعه فرود می آورد، هماناتی که قرار بود نفت بر سر سفره هاشان برود و سفره هاشان رنگین شود! در سایه عملکرد اقتصادی جناح حاکم هزینه کل درآمد نفت نه تنها نشانه ای از «عدالت محوری» را به همراه نداشته، بلکه بر دامنه شکاف طبقاتی در جامعه افزوده و کمزوری اقشار فقیر و متوسط را در زیر بار هزینه های زندگی خم کرده است و همچنان جامعه ما از فقر و فساد و تبعیض رنج می برد و چشم به آینده دوخته است.»

جبهه مشارکت با تاسف از اینکه پیش بینی های مبتنی بر دانش اقتصادی و کارشناسی اش مورد توجه دولتمردان حاکم قرار نگرفته و تحقق یافته است، و همچنانکه در بیانیه منتشره زمستان ۸۶ در باره لایحه بودجه سال ۸۷ این پیش بینی ها را متذکر شدیم و متأسفانه بازهم مورد توجه اکثریت راهیافتگان به مجلس هفتم قرار نگرفت و آنها با افزایش ارقام بودجه بر طبل روند افزایشی تورم در اقتصاد ایران کوبیدند، نکته قابل توجه اینکه در ازای این افزایش بودجه همیشه اصرار بر القای این نظر بوده که افزایش ارقام بودجه به دلیل افزایش بودجه عمرانی و حجم سرمایه گذاری در کشور بوده است در حالی که با توجه به افزایش قیمت ها بدلیل تورم، عملاً امکان تأمین منابع (با در نظر گرفتن قدرت خرید) لازم به دلیل افزایش هزینه ها به ویژه در مصالح ساختمانی بیش از نصف کاهش یافته و لذا عملاً بودجه عمرانی با توجه به قیمت واقعی افزایش قابل توجهی نسبت به سال ۸۳ نداشته است، در سایه آمارهای منتشره از سوی بانک مرکزی در مورد ارقام شاخص های کلان اقتصادی کشور به ویژه شاخص تورم به رغم برخوردی از درآمد افسانه ای نفت در سه سال گذشته، که بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار می شود (بیش از درآمد دوره هشت ساله خاتمی)، پیش بینی روزهای سختی را برای اقتصاد ایران می کند و اگر چالش های موجود بر سر پرونده هسته ای و سیاست خارجی و مواجهه با قدرت های اقتصادی و اعمال تحریم ها و خشکسالی را هم بر این موضوع بیفزاییم به جد باید نگران وضعیت اقتصادی کشور و معیشتی مردم در سال پیش رو بود. اینکه رئیس دولت نهم و رئیس مجلس و افراد مسئول در این دوقوه یگدیگر را عامل رخداد تورم و گرانی معرفی و از وضعیت بد اقتصادی کشور گلایه و انتقاد نمایند و در این میان به جای پاسخگویی به شهروندان با دادن آدرس غلط مافیاهای ناشناخته اما پرنفوذ و مفسدان ریز و درشت اقتصادی به نوعی فرافکنی و توجیه وضعیت پیش آمده روی آوردند ولی همچنان بر اجرای سیاست های اشتباه و شکست خورده اصرار ورزند جز اینکه نمک بر زخم های اقتصادی افسار فقیر و متوسط بیابند دردی را دوا نمی کند! پیمای نقدینگی ناشی از افزایش بودجه کل کشور (در سه سال نزدیک به سه برابر نسبت به سال ۸۳) و بودجه عمومی دولت (۲/۳ برابر نسبت به سال ۸۳) با تبدیل ارزهای نفتی به ریال و دادن وام های ارزان قیمت بانکی با توجیه راه اندازی بنگاه های اقتصادی زود بازده همراه با گسترش دامنه اقتصاد دولتی (سرمایه گذاری جدید بیش از صد هزار میلیارد تومان در شرکت های دولتی در برابر واگذاری ۱۵ هزار میلیارد تومان سهام این شرکت ها با احتساب سهام عدالت در سه سال گذشته) و گذشتن رقم واردات از مرز ۵۰ میلیارد دلار آنچنان بهمنی را بر سر اقتصاد ایران آوار کرده است که کمترین نشانه اش ابتلای به بیماری هلندی و افزایش سرسام آور قیمت زمین و مسکن و اجاره است و قطعاً اگر دولت و بانک مرکزی در اجرای قانون بودجه سال ۸۷ دقت و توجه لازم را مبذول ندارند و انضباط سخت مالی و پولی را رعایت نکنند و به اصلاح سیاستهای اشتباه و متناقض گذشته نپردازند و به تدبیر مجموعه ای همساز از سیاست های اقتصادی و سیاسی مرتبط با هدف مهار و کاهش تورم و راه اندازی چرخ سرمایه گذاری و تولید روی نیاورند، این بهمن همچنان به حرکت تخریبی خود ادامه خواهد داد و وضعیت اقتصادی کشور را به نقطه بحرانی و غیر قابل پیش بینی خواهد رساند. متأسفانه باید اذعان کرد انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به تدریج دارد خلا سازمانی این مغز متفکر و کارشناسی را در اداره امور به نمایش می گذارد چرا که اگر این سازمان فعال بود با دادن هشدارهای لازم و به موقع از فرو رفتن دولت و اقتصاد کشور به این وضعیت جلوگیری می کرد.

جبهه مشارکت ایران اسلامی با توجه دادن همه مسئولان اداره کشور به وضعیت کنونی اقتصاد و مرور ارقام شاخص های کلان اقتصادی و اینکه بدلیل درآمد بالای نفت در سه سال گذشته ما بهترین فرصت ها را برای اصلاح ساختار و جهش اقتصادی داشته ایم نگرانی عمیق خود را از ادامه روند افزایشی شاخص تورم، که از اوایل سال ۸۵ به این سو شکل گرفته است، اعلام داشته و نسبت به پیامدهای زیان بار آن در افزایش شکاف طبقاتی و فشار اقتصادی بسوی اقشار فقیر و متوسط و دامن زدن به آسیب های اجتماعی و... و در یک کلام دوری از عدالت اجتماعی به عنوان هدف غایی انقلاب اسلامی هشدار می دهد. آنانی که در همه دوران اصلاحات دولت خاتمی را در پاسخگویی به مطالبات اقتصادی و معیشتی مردم ناکارآمد معرفی می کردند و اصلاح طلبان را نسبت به معیشت مردم بی توجه می دانستند و با همین حربه حاکمیت یک دست خود را بر قوا و نهادهای کشور برقرار کردند اینروزها باید پاسخگوی آن همه مدعاها و شعارها و وعده های خود باشند و بجایی متهم کردن یکدیگر و دادن آدرس غلط به داد مردم محروم و متوسط، که از این وضعیت بیشترین آسیب را دیده و سلامت زندگی شان به خطر افتاده است، برسند. هرچند رئیس دولت نهم مدیریت اداره جهان را در سال جاری در دستور کار خود قرار داده است اما از قدیم گفته اند چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است، و آنچه انتظار می رود و منطقی است اینکه ایشان در ابتدا خانه خود را بخوبی مدیریت و تدبیر کنند تا آنگاه در ادعایشان برای مدیریت جهان پشتوانه ای داشته باشند و همه نگرانی ما این است که با طرح چنین مدعایی اهل خانه از دست روند! و انقلاب و نظام پشتوانه اصلی خود را که مردمند از دست دهد.